



تولوع وحدت

ارگان نشریات مرکزی حزب وحدت اسلام افغانستان - کویته

هشتم ربیع الثانی سالروز ولادت باسعادت یازدهمین اختر

تابناک آسمان ولایت و امامت امام حسن عسکری (ع)

پر همه مسلمین مبارک باد

صفحه ۶

متن پیام استاد مزاری دبیرکل حزب وحدت

اسلامی خطاب بمردم کویته

شماره - ۱۸ - سال دوم میزان ۱۳۷۱ هـ ش ۱۴۱۳ هـ ق ۱۹۹۲ میلادی

صفحه ۳

حزب وحدت اسلامی حامی و تحلیله گاه ارمانهای ملیتهای محروم افغانستان

از: نظری

دانشه ندان این خطه همچون بوعلی سینا جلال الدین بلخی، ابوریحان البیرونی سنانی غزنوی ابو معشر بلخی، خواجه عبدالله انصاری، ملا حسین کاشفی و ۰۰۰ قرار داشت خبری نبود، زمام داران " فاشیزم " حاکم بر مقدرات مردم یک سره بلااستثنای انسان قدرت شان را در کویته جان این سرزمین

در روزگارانی که استبداد " فاشیزم " در کشور باستانی ما " افغانستان " همانند ابرهای تیره و تار سایه شومش را پیش از دو صد سال گسترانیده بود، هر روز که میگذشت مردم مظلوم ما بسوی فقر و بدبختی، جهل و نادانی سوق داده میشد، دیگر از آن دوزوانی که این سرزمین مه دعلم و دانش بود و چراغ راهنما و هدایت در دست بزرگتری

صفحه ۵

خران در بهار آزادی

از: استاد محقق افشار

بمقیاس تحلیل های این پیروزی توافق نمیکرد آنها در صد بر آمدن و جدیداً " بررسی کردند بیبینند چگونه مشت بر (دروش) غالب شد چطور ایمان را سخ و اراده قوی یک ملت مضمم بزفراد خانه افسانه ای و ارتش تابه دندان مسلح ابرتدرت جهانی آموزش دیده کلاسیک دارای

پیروزی انقلاب اسلامی افغانستان در جنگ طولانی چهار دهه ساله و نابرابر محاهدین مسلمان افغانستان با ارتش سرخ روسیه تجاوزگر و عمال بی اراده و دست نشانده اش در جهان موجی از اعجاب و تحسین برانگیخت و تاثیر در تمام جهان گذاشت برای تحلیل گران سیاسی نیز گومی خوبی پیدا شد، چگون

صفحه ۴



انتخابات یا تعیین سرنوشت

بابه نزدیک شدن پایان دوره مقرر دولت موقت استادربانی و طرح دور حدید اینک بحران و کشمکش سیاسی در افغانستان بعد از اندک فروکش بار دیگر روبه افزایش نهاده، گر چند دولت موقت اسلامی بعد از حوادث خونین موشک باران شهر کابل در فرصت آتش بس موفق گردیده تا اکثریت قاطع جناحهای سیاسی، نظامی کشور منجمله رضایت حزب وحدت اسلامی و مشارکت آن در دولت موقت را که با توجه به توانمندی همه جانبه آن از اهمیت بالائی برخوردار است جلب نماید وهم به موضوعات امنیتی و تشکیل اردوی

صفحه ۲

چرا دیوار زندان ملتها فرو ریخت؟

تحیر و امید دارد، زیرا روی کار آمدن و تحکیم امپراطوری با علل و معالیل و عواملی بوده که مدت زمان زیادی را در بر گرفته و هزاران آبادی بویرانه مبدل گشته و صدها هزار انسان بخاک افتیده تا امپراطوری بنیان گرفته و همچنان بر عکس آن، می توانم به کتب مدونه تاریخ مراجعه کنیم و یاد ذهن خود را به عقب سیر دهیم و از عقب های خیلی دور تا بنزدیکی سیر نمائیم که شاهد بر ادعا است ۱۱ سال های متمادی بریتانیا بنام بریتانیا کبیر " انگلستان " امپراطوری بود که به اصطلاح بعضی ها (پرنده ابی جزیره) بال

(۰۰۰) دیگر کمونیسم را باید در موزه تاریخ برای عبرت گذاشت (۰۰۰) از نامه امام خمینی رح برای گورباچف (تاکی می توان بهر وء یاتکیه کرد و زنده ها ر امده تصور کرد دیگر سیاست ارباب بر ملت هادوام ندارد، مردم ماتزار را از بین بردند رژیم احتناق و ارباب رانیز بگورستان تاریخ می سپارند (۰۰۰) " اندره سوخارف " فروپاشی هر دولت امپراطوری چه در زمان های سابق و اسبق وجه در عصر ماهر شنونده را به

صفحه ۷

آنچه درین شماره میخوانید

- ۱- انتخابات یا تعیین سرنوشت
- ۲- خزان در بهار آزادی
- ۳- چرا دیوار زندان ملتها
- ۴- حزب وحدت اسلامی
- ۵- متن پیام استاد
- ۶- سالروز ولادت امام
- ۷- گزیده اخبار
- ۸- شعر

انتخابات یا ...

اسلامی رونق و انسجامی بخشیده، امامت، سفانه بعثت وقوع حوادث و تحمیل جنگ و حمله بر شهربان کابل تا هنوز موفق به تشکیل یک مرجع قانونی که بتواند در ختم دوره وی در جهت تعیین سرنوشت کشور تصمیم بگیرد نشده، که درین دوره میبایستی زمینه ایجاد یک دولت لا اقل ۱۵ ماهه بر اساس اراده مردم که در آن همه اقشار جامعه با قاعده وسیع شرکت داشته باشد، آماده میشدند گردیده.

در همین رابطه در حالیکه چند هفته از پایان موعده مقرر زمام داری استادربانی باقی نمانده، کمیته ای که از طرف دولت موقت غرض تشکیل شورای حل و عقدت و توفیق گردیده اعلام داشته که "بزودی شورای حل و عقد از طریق انتخابات بر اساس رای نفوسی تحت نظارت نمایندگان سازمان ملل متحد و کنفرانس کشورهای اسلامی بوجود خواهد آمد"

گرچه جزئیات طرح تا حال خوب روشن نیست که چگونه طرح عملی میگردد آیا از طریق رای مستقیم مردم که بصندوقها ریخته میشود یا بر اساس آمارهایی که وجود دارد؟ جزئیات هر چه باشد روشن خواهد شد اما درین میان تا آنجاییکه چهار چوب طرح ارائه شده، آنچه که حائز اهمیت و تا عمل است نکته اساسی در طرح وجود دارد که از ویژه گی خاصی برخوردار میباشد.

۱- از اینکه برای اولین بار در کشور مظلوم افغانستان طرحی ارائه میگردد که حاکم از احترام گذاشتن اکثریت قاطع جریانهای سیاسی به آرام مردم کشور بوده جای بسی امیدواری است، زیرا که (این تنه راه حل عادلانه است) بنظر میرسد اکثریت رهبران جهادی با کسب تجارب فراوان به این نتیجه رسیده اند که "تا زمانی که در حل مشکلات به راهی کل جمعیت کشور مراجعه نکنند هر طرحی منجر به ناکامی خواهد شد، چه بسا که باعث بحران و تلخ در فضای غمبار کشور میگردد، در گذشته هانیز انتخابات به تناسب مراکز اداری کشور صورت میگرفت که به هیچ وجه نمایندگان اصلی جامعه در پارلمان راه پیدا نمیکرد، بلکه افراد فرمایشی آنها از یک قبیله خاصی وارد جرگه میشد چون در انتخاب نماینده تعداد رای مؤثر نبود برعکس تعداد مراکز اداری که از طرف رژیم ساخته و پرداخته شده بود تاثیر داشت.



۲-۲. در طرح از طرف سخنگوی کمیته اعلام شده که "انتخابات بر اساس رای نفوسی نه مراکز اداری یعنی (هرسی هزار نفر یک نماینده) که عادلانه ترین روش در سطح جهانی است، مردم افغانستان سالیان درازی در انتظار چنین روزی بوده که سرنوشت خود را با ارائه نظر و رای مستقیم خود تعیین نمایند و درین راستا و تحقق چنین شیوه (۱۴) سال تمام مبارزه نموده و تمام هستی شان را در تطبیق اخلاص گذاشته.

۳- نکته سوم دعوت از نمایندگان سازمان ملل متحد و کنفرانس اسلامی جهت نظارت بر اجرای انتخابات است که بر اعتبار و ارزش انتخابات می افزاید و جلوه هائوسی از صداقت را بنمایش می گذارد که قلب های داغدار و تن های زخم خورده ملت ما را مرهم است، چرا که ملت مظلوم افغانستان بار بار شاهد تقلب و تعصب ناروادگر کشور بوده است که با حضور نمایندگان سازه ان ملل متحد و کنفرانس اسلامی مردم به تعیین سرنوشت خود امیدوار تر و مطمئن ترند.

با مطرح شدن این شیوه تعیین سرنوشت (هرسی هزار نفر یک نماینده) تا حال نظریات گوناگونی در شکل طرح ابراز شده از آن جمله آنانی که همیشه با ارائه آمارهای دروغین خود را قیسم جمعیت زیادی از کشور میدانست و دیگران را ناچیز ۲٪ الی ۵٪ قلمداد میکرد و در محافل سیاسی برای اینکه خود را بر حق نشان دهد راه حل معضله انتخابات و نمود مینمودند! امروز که سخن از یک انتخابات عادلانه بزمیان آمده فریاد میکشند که چنین نوع انتخابات بر ضرر ماست، زیرا شیعیان در داخل کشور زیاد است.

روزنامه جنگ چاپ پاکستان تاریخ ۸ اکتوبر ۱۹۹۲- آقای قریب الرحمن سعید نماینده مطبوعاتی حزب اسلامی حکمتیاری طی مباحثه ای در پشاور و چین گفته "در رابطه با هرسی هزار نفر یک نماینده، ایشان گفت که: این کار عملی است ناممکن است چون که درین وقت در داخل افغانستان صرف مردم شیعه میباشد بقیه مردم پراکنده به کشورهای دیگر است... " با باین وصف آیا اعتراف آقایان ابدال بر کثرت جمعیت شیعیان و حقانیت حزب وحدت اسلامی را نمی رساند؟ که تا حال به عناوین مختلف منکر عظمت آن بودند؟ این ابراز نگرانی آقایان از چیست؟ اگر از قوم و تبار آنان مهاجران تعداد بیش از دو میلیون آواره مردم هزاره و شیعه افغانستان تنها در جمهوری اسلامی ایران آواره و مهاجر نیست؟ صرف نظر از آنکه مانند سایر هموطنان جامعه

مظلوم تشیع در سایر کشورهای نیز پراکنده اند. از جانب دیگر برابر مخالف است در انتخابات عادلانه این نکته را می رساند که این پای بنده هیچ اصولی نیست، نه اصول پذیرفته شده بین المللی را قبول دارند و نه عدالت اسلامی را، فقط دنبال بچنگ آوردن قدرت مطلقه و حاکم شدن بر سرنوشت دیگران، در حالیکه هر عاقلی در قضیه افغانستان به این نتیجه رسیده اند که درین کشور هیچ کس دیگر سلطه پذیر نیست، پس باید کوشید تا بر اساس رای مردم نظامی را که در آن همه اقشار جامعه بطور وسیع البنیاد حضور داشته باشد بوجود آورده و بیش از این کشور و جامعه به تباهی کشانده نشود.

مردم افغانستان محارهای ظلم گذشته را خوب میشناسند که بوسیله زمام داران گذشته اعمال میشد، تاریخ آنرا بعنوان نقطه عطفی از ستم به ثبت رسانده، اکنون تمامی ملیتهای ساکن کشور بیدار و هوشیار است دیگر بار بکسی اجازه نخواهد داد تا بر سرنوشت شان بانغمه های خواب آور قدیمی و کهنه که تا هنوز می نوازند و هر روز حادثه می آفرینند تا شاید به اهداف نامقدس شان برسند باری نمایند، اهداف استعماری و سلطه گری دیگر در آشفته بازار سیاسی کشور افغانستان خریداری ندارد.

پایان ۲۰ ژانویه ۱۳۷۱

شعر

آی آنکه زنی لاف ره عشق و صفارا
هشدار و فراموش مکن عهد و صفارا
از جامه رنگین بدر اپاک و صفاشو
الوده مکن ایده پاک شه دارا

بشکن بت هر رنگ و زبیت خانه ره اشو
بی رنگ و ریپاک فقط رنگ خد اشو
کی در ره توحید زنگام، هوسران
ازاده ز جنگال هوس ها و هواش و

گوصوفی آلوده به تزویر و ریاری
بر شیشه مینداز دیگر سنگ جفارا
بر دار نقاب از رخ و کن چهره نمایان
افسرده مکن روح شهیدان خدارا

ای جغد شب اندیش مخوان قصه شب بیش
کم گوی تو از ظلمت و ویرانه و آویزش
بگذار که تاصبح شود این غمبار
باناله شومت منماقلب وطن ریش
باید به وطن مرگ زمستان شود اینک
در دشت و دمن لاله فروزان شود اینک
کز همت یاران بر سرفصل بهاران
شم شهان زنده و رخشان شود اینک

بر خیز که تاهمت مردانه گماریم
بر قلب غمین مرهم شادی بگذاریم
هنگامه انست خزان گشته چمن را
بادست صفاباز گل ولاله بکاریم

"از عزیزان"



متن پیام ...

حزب وحدت اسلامی افغانستان - کابل
بسم الله الرحمن الرحيم

برادران و خواهران ملیتخواه و غیرمقیم کویته السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته .
احازه دهید پیش از همه دستان صمیمی شمارا که برای کمک ب مردم و ملیت مظلوم و جنگ زده ، -
تان دراز کرده و از این طریق همبستگی دیرینه سالتان با آرمانهای مقدس ملیت تان را اعلام نموده و احساس پاک و مقدس ملی تان نسبت به قوم محروم و مظلوم تان را بنمایش گذاشتید صمیمانه بفشاریم و از خدای قادر و مقتدر برای -
تان توفیق و سربلندی و پیروزی در مسیر مبارزه بر حق و عادلانه مستضعفین علیه مستکبرین -
مسئله نمائیم .
شرایط دشوار و حساسی که مردم و جامعه محروم و مظلوم مادر بر ایران قرار دار شمارا بر آن میدارد که ضمن تقدیم این سپاسنامه از آخرین رویداد های تلخ و در دیار و در عین حال غرور آفرینی که در زندگی سیاسی - نظامی مردم تان رخ داده با شماسخن بگوئیم .
جنگهای خونین و خانمان بر اندازی که پس از پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم الحادى نجیب بر حزب و مردم شما تحمیل گردید ، در حقیقت اهداف علوم فاشیستهای مزدور و وابسته به استعمار جهانی مبنی بر انهدام و حذف موجودیت سیاسی مردم و نیرومندترین سازمان سیاسی شمایعنی حزب وحدت اسلامی را دنبال میکرد ، در طول این جنگها خسارات -
فراوانی بر مردم مظلوم و مستضعف شما وارد آمد ، صد ها خانه ویران و هزاران تن از هم کیشان شما بی خانمان گردیدند ، بیش از دوهزار نفر زخمی و چندین صد نفر دیگر که قریب به اتفاق از افراد غیر نظامی و عمدتا " زن و کودک بودند بشهادت رسیدند و جمع زیادی از عابریین و رهگذران مردم به اسارت نژادپرستان درآمده و قسما " در بازداشتگاههای جمعی به قتل رسیدند و علیرغم اقدامات ملح طلبانسه -
تغظیمهای جهادی و برخی از مسئولان دولت موقت و استقبال حزب وحدت اسلامی از کلیه حرکت های صلحجویانه و خویشتنداری در مقابل آتشباری های مکرر ، طرف مقابل که از ماهها قبل خود را برای طراحی و راه اندازی چنین جنگی آماده کرده و بشدت از سوی محافل خارجی تحهیز ، تدارک و حمایت میگردد ، هیچگاه به اقدامات صلحجویانه دولت و نیروهای جهادی واقعی ننهاده بشرارت و آتش افروزی -
و عهد شکنی ادامه داد و همین امر مارا و ادار و مصمم ساخت که در برابر گردن فزایهای متجاوزین به سختی ایستادگی کرده و از مردم خویش قاطعانه و مردانه دفاع نمائیم ، رزم اوران -

توانمند حزب وحدت اسلامی سرانجام موفق گردیدند کلیه مواضع دشمن را به تصرف خویش در آورده و اکثریت ساحات شهر کابل را از لوث وجود شرارت پیشه گان پاکسازی نمایند و امروز در شرایطی قرار دارند که میتوانند هرگونه حرکت نفاق افکنانه و برتری گرانه را که ممکن است در آینده ای نزدیک جنگ دیگری را بپسیر مردم ما تحمیل نمایند ، در نطفه خفه سازند .
برادران و خواهران !
با وجود حماسه آفرینی ها ، رشادتها و قهرمانی های که مردم شما در طول چهارده سال جهاد صوری و جنگ های تحمیلی اخیر از خود نشان داده و بار دیگر حضور قدرتمندانسه سیاسی - نظامی خود را در سطح کشور به اثبات رساندند ، با مشکلات عدیده و عمده ای مواجه است ، هم اکنون بحران اقتصادی در کشور که طبیعتا " بار سنگین آنرا مردم محروم ما بر دوش می کشد بیداد میکند ، گرانی ، تورم فقدان درآمد اقتصادی ، بیکاری و قلت مواد غذایی حیات برادران و خواهران شما را تهدید بیه نیستی میکند ، کمبود مواد داروئی و لوازم درمانی به تعطیلی شفاخانه ها و مراکز صحتی منجر گردیده و هم اینک بسیاری از برادران و خواهران زخمی شما با خطر مرگ روبرو هستند زستانی که در پیش است نیاز به مواد سوختی و گرمابخش دارد که از این نظر نیز مردم شما در فقر و -
نداری مطلق بسر میبرد ، و نگران آینده نا معلوم خویشند . چنین وضعیت در دال بود و وقت باری بی تردید ضرورت یک بسیج همه گانی و عمومی دیگر را در رابطه با جمع آوری کمک های وسیع و همه جانبه مردمی در تمامی زمینه های مالی ، پولی و درمانی از سوی شما شام طرح و مسئولیت های سنگین شمارا در امر امداد و یاری رسانی به هم سرستان و هم نوشتان تان بیش از پیش جلوه گرمی سازد .
حزب وحدت اسلامی افغانستان یک بار دیگر از کمکهای برادرانه ، شما قدر دانی نموده و از کلیه اقشار اجتماعی این سامان ، بزرگان قوم ، علما ، دانشمندان ، محصلان و دانشجویان روشنفکران ، کارگران و کسبه کاران و نیز دفتر نمایندگی حزب وحدت اسلامی در کویته که زحمت انتقال و ارسال کمکها را به اینطرف تقبل کردند صمیمانه تشکر میکند .

ومن الله التوفيق

دبیر کمل حزب وحدت اسلامی افغانستان

عبدالعلی " مزاری "

۱۲ سنبله ۱۳۷۱

چرا دیوار ...

قطب بوده چنانچه کتاب مزبور بایک سلسله اشارات و رموزات در بعضی موارد چراغ سبز به مبارزین نشان میدهد که اوراق مبلینغ و سیا لایحه وظایف را عروس فرغانه در محلی گذارد . برداشته شود ، نویسنده و تاریخ و چاپ آن -
نوشته نشده ؟

دور نمای فعالیت خدمت گذاران و مبارزان اسلامی در آن وضع اختناق را نشان می دهد که ایثار گرانه جان در کف اخلاص گذارده -
بوده اند ، بعد از شکست بت کمونیسم اتحاد شوروی ، حزب اسلامی تاجکستان مردانه خود را بر روز داد و با کمال درایت توجه خود را به نکته ها و نورم های سیاسی و اجتماعی معطوف ساخته و هم اکنون حزب اسلامی تاجکستان در جریان روشن سازی اسلام و نفی کمونیسم مگرگرم است .
انقلاب اسلامی افغانستان :

نیرنگ های اتحاد جماهیر شوروی قبلا به عناوین مختلف در اروپای شرقی فقط بخاطر حل وادغام نهائی اروپای شرقی به امپراطوری روسیه بود ، تشکیل بلوک نظامی وارسا و هم چنان تشکیل بازار اقتصادی " کومکین " و ...
بخاطر تسلط امپراطوری شوروی ، بر مقدرات مستعمرات و اقماران بود و بر هر جانقشه و پیلان خویش را مطرح و حاکم می ساخت ، تازه اگر خلاقی بنظرش می رسید غرض ماشین های نظامی تحت فرماندهی جنرال های نظامی همه را سر کوب میگردد نمونه آن تهاجم نظامیان شوروی در سال ۱۹۵۳ به المان شرقی و در سال ۱۹۵۶ به هنگری می باشد .

در افغانستان عین نقشه در نظر شوروی بود که با روی کار آمدن یک رژیم دست نشانده " مارکسیستی " از همین تاکتیک استفاده -
شود و بر تعداد اقمار روسیه بیافزاید و میخواست اداره امور اقتصادی و نظامی و سیاست افغانستان را قبضه نماید ، اما اینکه فرزندان نامشروع شوروی " خلقی ها و پرچی ها " نتوانستند تا به ارباب خود خدمات خوبی انجام دهند بتاريخ ۲۷ ۱۲ ۱۹۷۹ افغانستان مورد تهاجم و تجاوز نظامیان شوروی قرار گرفت .

شورای امنیت سازمان ملل متحد باین تجاوز نظامی مخالفت و قطع نامه صادر و تصمیم گرفت ، اما تصمیم شورای امنیت باو تسوی شوروی به هیچ مبدل گشت .

یگانه راه چاره را خود ملت انتخاب و اقدام نمودند که عبارت از جهاد مسلحانه بود که باید اسلام را در سرزمین افغانستان از -
چنگال دشمنان قسم خورده اسلام نجات دهند مردم متدین افغانستان باریختن در کوی و ببرزن بندها و دشت ها و کویا به ها و با صدای تکبیر مخالفت شدید خود را به متجاوزین اعلان کردند

مسلمانان بپا خواسته در عرض ۱۳ سال و اندی با فداکاری با عقیده و ایمان راسخ به خدای متعال به دشمنان اسلام ضرب شمتی نشان دادند که ابر جنایت شوروی را با همه ساز و برگ نظامی اش شکست دادند و روی برزنف ، اندروپوف ، چرنینکو ، کاسگین ، سلوتوف و بقیه زمامداران را در تاریخ سیاه کردند .

گرچه دلان جنگ سرو و حل سیاسی را آغاز کردند و مدت ۶ سال مذاکرات غیر مستقیم ژنوبین رژیم کابل و پاکستان ادامه پیدا کرد مذاکرات شاخدار (یعنی مذاکرات بین رژیم کابل و پاکستان و مذاکرات بین روسیه و امریکا)

خزان در ۱۰۰

آخرین تاکتیک های جنگی مجهز به مدرن ترین اسلحه نظامی و کامپیوتری حتی تسلیحات ضد انسانی شیمیایی و میکروبی و ۰۰۰ فائق آمدند و از طرفی دیدن رژیم دیکتاتوری پرولتاریائی و سوسیال امپریالیزم شوروی دولت توسعه طلب و جهان خوار مسکوی به عوض بدست آوردن کلاه سر راه از دست داد و بجای تندروی برای - اشغال سرزمین دیگران با پای شکسته برگشت بجای الحاق افغانستان در کشور شوراهاکشور شوراهاراباخت ، بجای راه یافتن به آب های گرم بحر هند و خلیج فارس و نزدیک شدن و دست یافتن به مناطق زرخیز نفتی خاور میانه مناطق زرخیز آسیای مرکزی و کشورهای حاصل خیز کناره آمو دریا و بحر خزر را از دست داد به طمع جهان خواری و توسعه طلبی و بدست گرفتن اقمار جدید با فروپاشی نظام کمونیستی شوروی کشور هائی را که حدود هفتاد سال در حبس و بند داشت آزاد گردید بالاخره پیروزی ملت مسلمان و مجاهد مردان قهرمان افغانستان بر ارتش متجاوز روسیه و رژیم الحادی و مزدور کابل انفجار بزرگ و نورانی سیاسی بود که تمام جهان را تکان داد و متوجه خود ساخت و در سراسر دنیا پیچید و در روی کپوه ارض اثر گذاشت ، سراسر گیتی در جشن و شادمانی فرو رفت ، در شرق و غرب - عالم ، اروپا و آمریکا ، جاپان و کانادا حتی چین کمونیست از شکست روسیه شادمان و همه با شادان از اینکه نصف جهان از بند کمونیست آزاد شد .

جهان اسلام برای آزادی کشور اسلامی و پیروزی مجاهدین مسلمان و حاکمیت اسلام در کشور اسلامی افغانستان جشن گرفتند ، بلوک غرب و اعضا پیمان ناتو برای از هم پاشیدن اردوگاه شرق و بلوک کمونیسم و برهم خوردن پیمان ورشو برقص و پای کوبی پرداختند ، جاپان بفکر آزاد شدن جزایریکه در جنگ جهانی دوم در اشغال شوروی درآمده بود که درین راه تلاش فراوان نموده بود و بجای نرسیده افتاده و از مسأله شدن زمینه آزادی و بازگشتاندن جزایرش دلشاد و از پیروزی افغانیها استقبال کرد ، چین کمونیست که رقیب سرسخت خود را از بین برده و شکست خورده دید و جنگ سرد را خاتمه یافته می بیند شادمان است ، آمریکا که بعد از شکست نظامی در ویتنام مورد هجوم تبلیغاتی دایمی شوروی بود از هم پاشی اردوگاه کمونیسم و از شکست مفتضحانه ارتش سرخ روسیه در افغانستان سخت مسرور گردیده از این پیروزی استقبال نموده و در حقیقت جشن گرفت ، کشور های همسایه و برادر جمهوری اسلامی ایران و - پاکستان که در چهارده سال یار انقلاب بودند و بار انقلاب اسلامی را متحمل شدند ، میلیونها پناهنده و آواره افغانی را پناهدانند پناه گاه امن

برای مجاهدین خسته و مهاجرین تشنه و گرسنه در آغوش پیر محبت و اخوت اسلامی این دو کشور بود و به نحوی خود را این دو کشور شریک و همکار انقلاب اسلامی افغانستان میدانند و بویژه وقتیکه دیدند برای همیشه از تهدید رژیم سلطه جو و توسعه طلب و اشغالگر و همسایه مزاحم و بدتیت کمونیستی راحت شده اند این پیروزی را جشن گرفتند کشورهای اسلامی آسیای مرکزی که پس از هفتاد سال حبس و اسارت زجر و شکنجه ، اختناق و سانسور و تحمل رنج بسیار و قربانی دادن و شهدای بی شمار ، دیدند انقلاب اسلامی افغانستان که سبب نجات آنهاست به پیروزی رسیده جشن گرفته و شادمانی نمودند .

مهاجرین افغانستان در سراسر کشورهای جهان بخصوص در جمهوری اسلامی ایران و پاکستان که جمعیت، های چند میلیونی را تشکیل میدهند با کمال سر بلندی و افتخار

پیروزی انقلاب اسلامی شان را جشن گرفتند و برای بازگشت ب وطن محبوب شان آماده شدند برای شرکت در باز سازی و نوسازی کشور مخروبه و جنگ زده خود مهیا گردیدند ، دسته ، دسته از پاکستان و ایران جانب وطن عزیز خود مراجعت کردند ، شهروندان عزیز کابلی که چهارده سال خشونت و وحشت دیکتاتوری بیداد گرانه ترین ارباب رژیم مزدور مارکسیستی را تحمل کرده ، ، گرسنگی ، تشنگی ، قحطی و قیمتی نامنی و صدها مصائب و فجایع را قبول نموده در فراق و دوری دوستان و عزیزان آواره شان زجر کشیده و شکنجه دیده پیروزی انقلاب اسلامی و روز آزادی کشور اسلامی خود را انتظار میکشیدند از پیروزی انقلاب اسلامی و شنیدن نعره اله اکبر و شعار حیات بخش (لا اله الا الله) منقلب شدند صورت ، و حالت دیگری پیدا کردند ، پس از چهارده سال فضائی ظلمانی و مصیبت بار پیروزی انقلاب اسلامی را در فصل بهار طبیعی احساس کردند ، تقارن دو بهار ، بهار طبیعت و موسم گل و بلبل ، بهار آزادی ، بهار پیروزی با نغمه های رووح بخش و فرح انگیز شعار های انقلاب اسلامی فضای کابل را واقعا " بهار ساخته بود ، بهار بود ، بهار پر شکوه روح افزا غم زدا ، حزن برانداز ، عشرت آفرین ، بهار معنویت و جلال ، بهار حریت و استقلال ، از درو دیوار ، دشت ، و بیابان ، صحرا و کوهستان ، جاده و خیابان ، با غانچه و گلستان کابل عطر گسل وریاحین ، بهار طبیعی و بهار آزادی و بهار پیروزی شکوه مند انقلاب اسلامی بمشام جان می رسید و روح تازه در کالبد های افسرده می دمید ، مردم غمها ، المها ، دردها ، رنج ها را فراموش کردند غرق در عیش و سرور ، ذوق و شوق پیروزی انقلاب بودند ، زندگی را از سر گرفتن

حیات را از نو آغاز کردن ، مردم کابل مقصد مجاهدین را عزیز داشتند ، مهمانان بسیار گرامی خود را از دل و جان استقبال کردند ، نجات دهنده گان شان را از جنگال عفريت ظلم و اهریمن کمونیسم از جمله قلب و اعماق جان با کمال خلوص پذیرائی نمودند ، افتخار میکردند و از سعادست دست یافته به خود می بالیدند و خود را بر قله های رفیع و اوج عزت و شرف احساس میکردید ، ولی ناگهان خزان غم در بهار پیروزی فرار سیدفاشیت های انحصار طلب و سلطه جو بار و حیه قدرت طلبی و داعیه قوم سالاری بر شهریان کابل هجوم آوردند ، باموشک های پیش رفته و گلوله های توپ و تانگ و آوان و خمپاره شهر کابل را بمسوخ انسان و حمام خون تبدیل کردند بهانه های واهی جنگ را در کابل راه انداختند تا نوبت بحنگ قدرت رسید در - طی سه هفته جنگ قدرت طلبی کابل بویرانیه تبدیل شد کاخ های دولتی و ساختمان های مدرن و عصری ، منازل شخصی ۰۰۰ تا خانه های کلوخی مناطق محروم همه ویران شدند ، کابل در آتش و خون و دود و خاک غرق بود ، بیشتر از زمان تها ارتش سرخ مردم کابل اعم از شیعه و سنی پشتون و هزاره ، از بک و تاجیک صدمه دیدند آواره و پراکنده شدند سیل آسا جانب پاکستان و ایران سرازیر شدند و ۰۰۰ جهانیان برای باز سازی افغانستان آمادگی کامل داشتند متاسفانه جنگ قدرت طلبی در کابل جهانیان را دلسرد ساخته دیگر کسی داوطلب برای اعمار مجدد و باز سازی افغانستان نیست افرادی که برای کمک بحنگ زده گان از سازمان های خیریه بین المللی در کابل بودند عده ، کشته و عده ، زخمی و باز حمت از کابل فرار کردند ، افغانستان آینده مبهم ، تاریک و نامعلوم دارد ، حکومت موقت به کارهای خود در کابل ادامه میدهد در حالیکه هیچ سلطه بر ولایات حتی کابل ندارد در هرات عملا " دولت علیحده است در مزار شریف جنبش ملی اسلامی دولت تشکیل داده ، قندهار و جلال آباد همچنان حکومت دیگری پی ریزی شده و مناطق مرکزی از خود اداره دارند .

وضع جنگ مبهم تر است که در همین حد که کابل را خراب کرده بویرانیه ای تبدیل شده کفایت نمیکند یا تجدید قوا برای خرابی بیشتر و جنگ شدید تر دارند .

ملت افغانستان این خواست و انتظار را دارند که دیگر زوایا مائی بس است ، در انقلاب همه شرکت داشتند و در افغانستان همه سهم دارند خانه مشترک همه اقوام و ملیت ها است ارتش - پدری و مال شخصی هیچ قوم و قبیله نیست و هیچ ملتی به تنهایی و به زور اسلحه نمیتواند



حزب وحدت ...

به سمت نابودی وضع... همه جانبه مردم کشور هدایت میکرد، تا مبادا کسی توان پرورش انچه خیانت هار ارباب بود در حالیکه افغانستان دارای آب و هوای مساعد زراعتی و سلسله جبالهای مملو از معادن سرشار زیرزمینی و وارث زبده ترین علمای جهان بوده که شرق و غرب عالم از علم آنها بهره برده اند ولی افغانستان تا هنوز در جمله فقیر ترین کشورهای جهان قرار دارد.

مسلم " نظامی که در چنین کشوری حاکم باشد، فاقدهرگونه توان دفاعی در صحنه بین المللی میباشد که طمع کشورهای همسایه را برمی انگیزد، چنانچه روسها با همی... محاسبات و اینکه جو جهانی چنین بوده و است کشورهای ضعیف مورد تجاوز کشورهای قوی قرار میگردد، در سال ۱۳۵۸ افغانستان بوسیله ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی (سابق) بی شرمانه مورد حمله و تجاوز قرار گرفت و هولناک ترین جنایاتی را در قتل عام مردم و ویرانی کشور انجام دادند.

به ناگاه خورشید تابان انقلاب اسلامی از افق مکتب وحی، از عمق ایمان مردمی که سالیان درازی شلاق ستم را خورده بودند توام با منتهای ایثار و فداکاری طلوع کرد، طلوع میمون و مبارکی بود که توسط جامعه ای که آثار فقر و محرومیت و در عین زمان تشعشع نور ایمان از چهره پیر صلابت و مصمم آنان آشکار است همچون سیل خروشان در دریای پر عظمت اسلام بسوی ساحل نجات از بند ظلم و استبداد حرکت کرد و دشمنان حق و عدل را به وادی مرگ و دیار نیستی فرستاده و بقایای اشغال را نیز از آریکه قدرت بزیر کشاند.

آری اینک پس از چند صد سال مظلومیت و محرومیت ثمره مبارزات چهارده ساله قهرمانان محروم که سدها و سنگرهای تجاوز و استبداد و استعمار را شکستانده، انقلاب شکوفه ها و میوه های خود را آشکار میسازد و آب بر های تیره توطئه، کوههای سربلک کشیده مشکلات، مرزهای جغرافیائی، قومی، دخالت های مغرضانه و آشکار بیگانه گان و ۰۰۰ و تلاش شب پره هائی که چشم دیدن آفتاب درخشان انقلاب را بر روی همه پهنه کشور نداشتند نتوانستند مانع از تابش و گسترش پرتو افشانی آن شود و نور آن در سراسر کشور بل تا قلب کشور های در بند آسیای میانه را روشن کرد.

ملیت های محروم در روشنائی پیر فروغ انقلاب هویت از دست رفته شان را باز یافته، در تداوم انقلاب مردانه در سنگر دفاع از دست آوردهای انقلاب قرار گرفته، با طرح استراتژی نوینی در صدر آمدند تا حقوق تلف

شده شان را در آینده سیاسی کشور باز یابند و یا نگذارند بار دیگر تاریخ بر سر شان تکرار شود.

درین راستا حزب وحدت اسلامی بپشتوانه وسیعی از توده های میلیونی ملیت های زجر دیده کشور با اتخاذ مواضع اصولی اساسی و اسلامی پرچم دفاع از حقوق ملیتهای محروم کشور را بردوش گرفته و بعنوان حامی و تجلیگاه آرمانها و آرزوهای ملیت های محروم در صحنه سیاسی و نظامی حضور قدرتمند نیافته میروند تا معنی و مفهوم آیه کریمه: " انا ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم و الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقيسط " و کتاب را تحقق عینی بخشد.

اکنون که جامعه زجر کشیده ما بر حلقه ای از پیروزی رسیده توجه داشته باشیم که انقلاب ما از نظر پیروزی بر مرحله کاملی نرسیده هنوز تا رسیدن به تحقق عدالت اجتماعی و برپای داشتن نظامی که در آن ظلم بر هیچ نسل و نژادی، حزب و گروهی و ۰۰۰ وجود نداشته باشد فاصله زیادی داریم، وارثان استبداد و " فاشیست " بانقلاب دیگری از انواع وسائل و وسایس بهره مند است، توطئه هادر کمین تنها هوشیاری، بیداری و انضباط انقلابی و تشکیلاتی و حفظ وحدت کلمه توطئه هار انقش بر آب میسازد.

آنچه که درین شرایط حساس لازم است، توجه جدی به عوامل باز دارنده و موانعی است که ممکن بصورت یک خطر جدی سد راه انقلاب و پیوائی آن شود، " مسلم است تنها خطری که میتواند یک انقلاب و بیایک حزب را تهدید کند قبل از آنکه در بیرون باشد در درون است و پیش از آنکه از طرف دشمنان انقلاب و بیایک حزب باشد از درون است و بالاخره خطر نه از ناحیه مردم عادی است که در کار گذاران و افرادی است که بار سنگین مسئولیت انقلاب و ادار کشور و ۰۰۰ را بعهده می گیرند "

اینان اگر در صحنه شجاعانه پیروز شدند و با ایمان و خلوص، تدبیر و تدبیر، باروزین مسئولیتی را که در هر پست و مقام بردوش گرفته اند احساس کردند و بنحو احسن از عهده انجام مسئولیت خویش بر آمدند بی گمان نقش اول را در رساندن کشتی انقلاب به ساحل آرمانهای بلند آن خواهند داشت.

اگر خدای ناخواسته تحت تاثیر هوا های نفسانی و اغواهای شیطانی کم کم از یاد خدا و خون پاک هزاران شهید غافل و در سرانشیبی حب ریاست و جاه طلبی و آلودگی بجه رفاهیات، تشریفات، گرایش به خط بازی و کار شکنی برای یکدیگر، ایجاد صف بندیها و منازعات و ۰۰۰ قرار گیرد، اگر نیرو و امکانات که انقلاب در اختیار آنها قرار داده با تمام

وجود و صد در صد در خدمت اسلام و مردم بکار گرفته نشود، تمام و حتی بخشی از آن صرف مصالح گروهی و خنثی گردن یکدیگر شود، این امور و امثال آن میتواند بالاترین ضربه را به انقلاب وارد آورده و آنرا در نیمه راه زمین گیر کند "

از سوی دیگر تجارب کافی در دست است که دشمن در هر انقلاب از وجود ستون پنجم سرسپرده و مزدور بیشترین استفاده ها را برده اند، در عین حال بهره گیری از زمینه های مانع حسادت، حقد، جاه طلبی، حب ذات و ریاست که مانند آتشی زیر خاکستر در نفوس بیمار برخی از مدعیان وجود دار دچنین افراد که آمال شیطانی شان در اثر امواج خروشان ملت ها بر باد رفته در کمین نشسته اند بخصوص در شرایطی حساس و نازک کنونی که دشمنان سرمست از باده موهوم و خنثی پردازی عربده جنگ و نابودی محرومین را در کشور سر داده اند ولی ملت های بیدار اسلام و آنهایی که طعم تلخ ستم را چشیده اند تحت قیادت رهبران خبیر آگاه و دلسوز که رسالت دفاع از حقوق شان را بردوش دارند نخواهند گذاشت دست آوردهای شان بر باد رود، و تا رسیدن به آرمانها و آرزوهای ملیت های محروم که همانا تحقق کامل عدالت اجتماعی در کشور است همچنان در صحنه حضور خواهند داشت. پایان

ولادت ...

خورشید تابانک امامت و رهبری را کاملاً منافی بدست یابی به اهداف مَدانسانی خویش می دیدند تا اینکه گل کوتاه عمران بزرگوار در سن ۲۸ یا ۲۹ سالگی از گلستان امامت ناپدید و به نیرنگ موفق خلیفه عباسی مسموم گردیده بدرد حبات گفت.

کلمات چندی از حضرت عسکری (ع) کلید همه شرور و غصب است.

بدترین بنده بنده است که دارای دور و دوری باشد.

بر شما باد که حذر کنید از شهرت طلبی و ریاست که، ایندو موجب هلاکت خود و مردم میشود و دعوتی است بسوی نابودی و مرگ.

عبادت با زیادی روزه و نماز نیست، بلکه عبادت در امر خدا زیاد فکر کردن است.

پایان



بماست ولادت با سعادت...

زندگی اجتماعی و جمع شدن انسانها گیردیکدیگر ايجاب میکند تا جامعه هابرهبر نیاز پیدا کرده و به بزرگ و سالاری محتاج باشند تا آنجا که میتوان گفت همانطوریکه بشر بدون قانون نمیتواند زندگی کند بهمان نسبت بی رهبر و پیشوا نظام جامعه درهم ریخته و اساس آن نا ثابت است و این حقیقت تا آنجا آشکار است که برای اثبات آن بهیچگونه برهان و دلیل نیازی نیست.

باتوجه به این واقعیت چه بهتر انسانهای برتر و شایسته تر مسئولیت رهبری جامعه حفظ و نگهبانی از قانون و نظارت بر اجرای آن را بر عهده گرفته و سالار و پیشوای اجتماع باشند، این طرح سازنده (رهبری انسانهای شایسته) توسط شخص پیامبر اسلام تطبیق و جامه عمل بخود پوشید و انسانهای ملکوتی که بخوبی شایستگی رهبری امت اسلامی را داشتند پیامبر (ص) معرفی و امت را به طاعت آنان فرا خواند، ولی با کمال تأسف دیری نماند که به تعبیر اقبال این رشته از قرآن قطع و جامعه اسلامی دستخوش یک دیگرگونی عمیق قرار گرفت، یکی از آن انسانهای ملکوتی و چهره های درخشان رهبری در مکتب تشیع حضرت امام حسن عسکری (ع) است. آن یازدهمین کویک درخشنده امامت که در آسمان ولایت در مدینه طالع و در سامرا افول کرد، با عمر کوتاه خویش صفحات روشنی از زندگی خود بحای گذاشت.

گرچه اسلام در دوره حضرت عسکری (ع) آن قدرت امپراطوری را از دست داده بود ولی نفوذ معنوی آن روز افزون و بشدت قوت گرفته بود و علمای بزرگ ملل متنوعه به اسلام رها کرده و از کشتی نجات قرآن بهره مند می گشتند و لذا فرهنگ و معارف دینی افق وسیعی در دنیای بشریت پیدا کرده بود. در چنین آوانی نیازی به یک رهبر جامع و زعیم آشنا ب مکتب بخوبی احساس میشد تا حقایق را در آرزو ثواب بجهانیان تفهیم و چهره راستین اسلام را وانمود سازد.

همچون عیسی که دانش آن به اقیانوس بیکران علم نبوت پیوندمی خورد جز حضرت عسکری (ع) کسی دیگری نبود، ولی متأسفانه زندگی آن بزرگوار همزمان با خلفای ناب و عیاشی مانند متوکل عباسی بود که بقول ابن اثیر مورخ معروف جهان اسلام متوکل عباسی دوازده هزار کنیز دار دو این کنیزان هم سرمایه مالی و نمونه اشرافیت بود و هم اسباب اجرایی شهوات و قسمت مهم دربار متوکل و اولادش را.

طبقه رقاصان و آواز خوانان و نوازنده گان تشکیل میدادند، حضرت عسکری (ع) در رویارویی با همچو عناصری شهوت را نه که فعال مایشا در جهان اسلام بود، امت مسلمه و یاملل دانشمندان جدیدا سلام چقدر از آن بزرگوار استفاده کرده باشند، لذات حمل شخصیت عظیم حضرت عسکری (ع) بر خلفای غاصب زمانش سخت ناگوار بود.

عللای بزرگ مسیحی که معاصر آنحضرت بیوند چنانچه متوجه دانش و کرامات آن بزرگوار گردیده بودند که اورا مسیح می پنداشتند، بعظمت مقام علمی او همین بس که "مینویسند علم آنحضرت به اندازه بود که یعقوب ابن اسحاق کندی شهیر - امام حسن عسکری (ع) مردی باوقار و مفسری نظیر برای قرآن بود - تفسیری منسوب بحسن عسکری - اگر چه نام تمام مانده ولی مهمترین تفاسیر قرآن است."

دوران زندگی آن امام به سه دوره تقسیم می گردد، دوره اول ۱۳ سال در مدینه، دوره دوم - ده سال در سامرا قبل از امامت و دوره سوم ایضا در سامرا مدت شش سال زمان امامت و ولایت فیلسوف کبیر عرب که حکیم ابو نصر فارابی شاگرد مکتب وی بوده است در مباحثه با آنحضرت در مانده گشت و کتابی را که در تناقض قرآن نوشته بود سوزانید.

مکارم اخلاق آن بزرگوار بگونه سه از حاذبه بخصوصی برخوردار بودند که حتی شرور و سخت دل ترین افراد بنام راتحت تا اثر قرار داده و شاهراه هدایت راهنمایی نمود. در مدت سه سال زندان آنحضرت که بدستور معتمد عباسی زندانی بودند زندانها آن بزرگوار - مردی بنام صالح ابن وصیف دو غلام شریک را بر او موکل ساخت تا هر چه بیشتر و با کمال سنگدلی حضرت را از حروا هانت نمایند ولی آن دو غلام در پیرتو شخصیت ملکوتی و مکارم اخلاقی

نیایشها، پارسایها، روزه گرفتنها، شب زنده داریهای آنحضرت بکلی منقلب و با تا سی از آن بزرگوار موء من و شب زنده دار گردیدند و ترس عجیبی از آنحضرت در قلب شان راه یافته بود. حضرت امام حسن عسکری ع بزبانهای مختلف ملل اسلامی آنروز سخن میگفت و همه تعجب میکردند، در حل مسائل باچینیها، ژاپنیها، افغانیها، ترکی و هندی به زبانهای خودشان سخن میگفت، باری دوره زندگی حضرت امام حسن عسکری (ع) از حساسترین ادوار زندگی ائمه هدی میباشد و به سلب قرب زمان تولد مهدی موعود در آخرین ذخیره الهی مانند دور - ولادت حضرت موسی (ع) و عکس العمل فرعونیان بنی عباس نیز به بالاترین پیمانها از اهانت و آزار با آنحضرت روبرو بودند و آن -

چرا دیوار...

بالاخره قرار داد بی سر و ته ژنوبه امضا رسید. خنده اوراست که پاکستان رژیم مزدور کابل را بر سمیت نمی شناخت، ولی بر سر میز مذاکرات در ژنومقابل هم قرار داشتند و پائین قرار داد امضا کردند، اما ما هدیسن افغانستان که دخالت مستقیم دارند و قیام کلیه تجاوز شوروی به افغانستان واضح بود در بین کنفرانسها و قرار دادها دخالت داده - نمیشوند، که البته ملت و مجاهدان افغانستان تا اخیر قرار داد بر سمیت نشناختند و قرار داد به ۱۴ اپریل ۱۹۸۸ به امضا رسید.

وزیر خارجه آمریکا " جورج شولتر " که بحیث تضمین کننده قرار داد بود، با آنهم اعلان کرد که معاهدات ژنوناقص است صدر اعظم پاکستان " محمد حان جونیجو " قرار داد ژنورایک حل نامکمل و نا ایده ال خواند و گفت مجاهدین افغان حق دارند که قرار داد را مردود شمارند.

امام ایس جمهور پاکستان ضیا الحق علی الرغم حق تلفی ها انرا معجزه قرن نامید. قرار داد ژنوا بیک طرف بعد از شش سال خاتمه یافت و عساکر متجاوز روس از افغانستان به اخراج آغاز کردند، اما وسائل و تجهیزات جنگی از هر دو طرف برای رژیم کابل و مجاهدین روبه افزایش گذاشت.

اما مطلب اساسی ناکامی قوای نظامی و سیاسی کمونیسم روسی در افغانستان است؟ شوروی نتوانست پلان خود را چنان که در اروپای شرقی عملی کرد، عملی سازد. یعنی تعهدات ژنوتاریخی ۱۹۸۸ را تعهدات ادامه جنگ باید نامید، با تحمل بار سنگین اقتصادی اش. سال و ادامه جنگ را با کمال های خود دو چند نمود که تا رژیم دست نشانده اش شاید باقی بماند، اما مجاهدین افغانستان بر اساس تصمیم روز اول - شان که باید بر سر نوشت را با لوله تفنگ تعیین کنند، دست از جهاد و ایثارگری برنداشتند و تا آخرین مرحله سنگرهای جهادی را ترک نکردند.

بینش های معکوس

یقینا " براخو شوروی اصالت ایدئولوژیکی در هیچ حاکمیتی و مصداقی نداشت و یقینا " که اطاعت بلا قید و شرط افغانها را میخواست و بس. دکتورین برژنف (روسیه پیش میروند تا مجبور به عقب نشینی نشود) لذا از سالهای دور کمر بندی های ایمنی خود را توسعه داد و زمینه های تحقق پیشرفت خود را پیش بین شده بود. دولت شوروی برای گریز از مسئولیت، توجیه احمقانه داشت:

اگر سوسیالیسم انطوریکه باید و شاید به پیش نرفته گناه از خارج است و بس، پس باید با آن جنگید، حرب و دولت که در داخل قادر به حل آن نیستند در خارج باید علت را جستجو کرد. اما از جهت دیگر با این طرز بینش غلط مرتب به پیش می تاخت ولی در حال صفت از پشت در حال خالی شدن بود و از عقب خورده - میشد و هر روز از ناحیه ملیت های او کرایسن ژرمن ها، یهودیها و... رژیم سوهان میشد این رویه را در جهان بینی باید گفت (بینش معکوس) ادامه دارد.



چرا دیوار...

از: شیخزاده قندهاری

خود را از جهان (افریقا و آسیا و بعضی از کشورهای اروپا) پهن کرده بود، اما در سال ۱۹۴۸ به بعد اقول کرد و پروبال خویش را جمع کرد. امپراطوری پرتگال در سال ۱۹۷۵ میلادی نیز متلاشی و حیثیت سلطه گری را چون روغن (پیه) جمع و در خودش منجمد کردید، علل و عوامل بسیاری غرور بریتانیا و پرتگال را شکست و نتیجه سیاست توسعه طلبی و سلطه جوئی شان بفعل معکوس گردید.

اماروسیه (اتحاد جماهیر شوروی) آخرین امپراطوری چندین ملیتی و استثماری عصر بود که نسبت به همه امپراطوری ها عمیق طولانی کرد، که بالاخره روی به اقول و سقوط نهاد.

روسیه کشوری که آحاد مردم آن از نژاد و ملیت های نامتجانس و اقوام مختلف تشکیل شده بود و از دوران تزارها به ارث رسیده و خود بر آن نام "زندان ملت ها" گذارد، نه تنها توانست مقاومت کند بلکه توسعه هم یافت؟ علت توسعه آن مجاورت سرحدات کشورهای کوچک فتح شده و قدرت نیروهای نظامی سرکوب گر، اختناق و اور و افتراق اندازی بوسیله کا، جی، بی و توجیه ایدئولوژییک نظام و... به مثابه محمل تاریخی استقرار سوسیالیسم بود؟

سحبیه هر قدرت استعماری و توسعه طلب بنا بر علل مختلف به حنایت و پورش - دست می زند و از هر عملی که تا همین تسلطش را بنمایند روی گردان نیست، بدست آوردن منابع اقتصادی، تا همین مصارف و هزینه های سرسام آور نظامی کوبنده که متهاجم است اشغال مهم حدود استراتژییک، سرکوب نمودن و مسکوت گذاردن ملیت های تحت استعمار محصور از مقاومت و انگیزه های قیام ها و انقلاب ها، خنثی نمودن تحرکات انقلابی در بیرون مرزها ریشه و توطئه پر اکنی بمنظور دورنگهداشتن فعالیت های رقیب و... همه از معالیل بنیادین بقای یک قدرت امپراطوری است که ریشه و لازمه آن در هر زمان متجاوز بودن است.

ترس و هراس امپراتوری

علی الرغم آن همه استکباریت و خودنمائی قدرت، مایه ترس و هراس قدرت های امپراطوری است که از شخصیت سیاسی و فرهنگی و رشد و روحیه بالای اقوام مختلف داخلی هراس دارد، زیرا هر قوم و ملیتی در راه نگهداشتن فرهنگ خود و بدست آوردن قدرت در منطقه و محل خود حرکات مبارزاتی یا سری و یا علنی می آغازد و در صد تظاهرات و تبارز شخصیت سیاسی و فرهنگی و اثبات وجود بخصوص خود مبارزه می نماید، و امپراطوری علی الرغم خواست خردم خود در تلاش است تا بهر وسیله ممکنه آن حرکات را خنثی و مبارزات را امحاء نماید.

و گاهی برای رفع هول و هراس خود کوشش می نماید تا در مردم و ملیت های داخلی توجه ملت را با ایجاد ترس مصنوعی و تقلبی در رابطه به خارج از حدود و شعور کشور نماید و از ملت و مردم خود طالب تعاون و همکاری میگردد. (گرچه افغانستان موقعیت تشکیل امپراطوری نداشت، اما داود خان به اشاره شوروی نغمه منحوس "پشتونستان" را سرود)

از اوائل اتحاد شوروی استعمارگر متکی به نیروی نظامی کوبنده بود و در راه تقویه آن می کوشید که با منجهز کردن به سلاح مدرن و تظاهر به مدرنیزه کردن نیروی قوی کوبنده به وجود آورد، اما از جهت دیگر ثبات داخلی آن هر روز به مخاطره می افتاد.

بعبارت دیگر افتخارات پوشالی شوروی از عصب و ایجاد مستعمرات نقش موقعیت دولت مردان فراهم، ولی دولتی که از ملیت ها و نژادهای مختلف محروم بوجود آمده بود سؤال پیش می آید که تشکیل قوای عظیم سرکوب گر نظامی برای چیست؟ در صورتیکه جنگ های گرم مبدل به تبلیغاتی شده و موضع گیری های نظامی تبدیل به موضع گیری های سیاسی و تحسینی شده باشد جز این پاسخ در ذهن رعایا دیگر جوابی ندارد که تشکیل نیروی عظیم به منظور توسعه طلبی و توفیق در کشورهای کوچک همجواری است و تحریف نمودن هم جواریان که حاصل جمع آنقدر طماعی برای استحکام بخشیدن ابر قدرتی که داعیه (همزیستی مسالمت آمیز) را دارد ثمره پوچی داد.

نیروی نظامی (ارتشیک میلیونی) از ابتدای تشکیل، حباب سؤال را در مغزهای فرد فرد روس تشکیل میداد زیرا کشوری که خود نمی تواند بداعیه واهی (زیربنای اقتصادی) ملت را بکار سرگرم کند و شکم شان را با حداقل سیر کند و خود گرفتار اپورتونیسم است و هنوز ملت با مشقت ورنج دست و پنجه نرم میکند، منفعت خواران صندلی نشین مثل خنیاگران با داشتن خوراک منظم سرمست باده غرور اند، اما فریاد کارگران بیچاره از اعماق معادن ذغال و آهن و... در سرزمین های خشک و بیخندان سیری و... از گرسنگی بلند بود و بدتر از آن با محض ناله سرکوب شدیدی شدند که روش همیشگی سوسیالیسم بوده و صدای مظلوم خفه شده است.

پس عساکریک میلیونی بنام "ارتش سرخ" (راجه نیاز است) ۱۱۱ اجزای با وجودت و خوار ایشی ظاهری برای اغفال و تحمیق رعایا چیز دیگری هست، در حقیقت دست ضعیف و مشت خالی دولت با این اعمالش نزدیک شده بازم و مفتضح شده بود، همه افراد رعایا خوب می فهمیدند که سیاست نظامی اتحاد جماهیر شوروی از درون استالین تا برژنف فرجنگ روانی و عصبی با ملت دیگر اثری نداشته و ندارد.

در طول تاریخ اتحاد جماهیر شوروی اقلیت های اوکرایین، بیلوروسی، لیتوانی، فنلندی، هم چنان قزاق، ترکمنها، ارمنیه ناحیک ها، قفقازی ها و... همیشه نسبت به دولت و سیاست دولت مرکزی ناباور و باکوشه چشم بنظر شک و تردید نگریسته اند.

یکی از ترندهای تبلیغاتی اتحاد شوروی ایجاد تفرقه فکری و حواس مردم روسیه بوده با پروپاگندهای حزب بر سر اقتدار شوروی و بازوی توانمند دولت (کا، جی، بی) اقلیت ها برای استقلال روسیه بصورت تهدید معرفی شده بود و در اذهان مردم بعنوان یک خطر جدی قلمداد می شد، اگر چه بگویند که امپریالیسم غرب با تجاوز خود خطر مدهشی است و باید دفع خطر گردد، چنانچه در جریان تجاوز نظامی به افغانستان (وقتی که تعدادی از نظامیان شوروی به اشارت مجاهدین درآمدند، نظامیان اسیر در جواب سؤال مستنطق که چرا به افغانستان تجاوز کرده اید، در پاسخ می گفتند که (دولت اتحاد جماهیر شوروی) (بما گفته که امپریالیسم غرب "امریکا" به افغانستان آمده و عیازم

روسیه اند، ما برای دفاع به افغانستان آمده ایم

این تویه سازی را حماهر شوروی در طول تاریخ برای بهانه تجاوزاتش به کشورهای همجوار نا جوانمر دانه برای ملت خود استدلال دروغین کرده است.

سقوط تدریجی

مثل مشهور است که "خائین خائف" است، بزرگترین استبداد معاصر توجیه ساخته (ایده) لولوزیک نظام شوروی) را به مثابه محمل تاریخی استقرار سوسیالیسم استعمال نموده هاحیطه و سلطه خود را به جمهوری های تحت تسلط مستقیم خویش و کشورهای اقمار اروپائی شرقی، مغلستان و اخیرا افغانستان برقرار نماید، کشوری که بیست و چهار صد میلیون افراد از ملیت های مختلف را در برداشت، درین مدت دولت مردان و حزب بر سر اقتدار شوروی می دانستند و متفقی بودند که آن تمرکز عظیم تحت فشارهای گریزان از مرکز دیر باز و داز هم خواهند پاشید و میدانستند که نظام توجیه گراید لولوزیک نیز از اعتبار خواهد افتاد و این کشور از طرف ناسیونالیسم اروپائی و آسیائی تجدید روح مذهبی و فرهنگ های مختلف بزودترین وقت مورد تهدید قرار میگرد.

در ضمن نقش اتحاد جماهیر شوروی به عنوان حامل پرچم سوسیالیسم در آسیا از سوی چین دور اروپا از طرف یوگوسلاویان نفی گردید. عصاره بر این بسیاری از کمونست های اروپای غربی نیز انافی کردند.

انشعاب تیتوئیستهای یوگوسلاوی و طغیان گران لهستانی به سرکرده کی لیخ و الیساتجدید نظر طلبان چکوسلواکیا بر هبری ریب چک و مخالفت چینی ها، اینها همه عبارت بود از سر آمدن دوره حاکمیت ایدئولوژییک کرملین را اعلام کردند.

دولت و حزب ریاکار عوام فریب شوروی با بوغ و کرنا تبلیغات از قدرت و تسلط خود بنام (شوروی بهشت سوسیالیسم) براه انداخته بودند که گویا با قدرت و منطق هر چه بیشتر استدلال می نمود، در حالیکه شورشهای داخلی یکی در پی دیگری در داخل شوروی گرم بازاری داشت، و هر روز در کنج و کنار کشور چهار صد میلیون عصبانی صورت میگرفت اما دولت تمام توان خود را با هزینه سنگین صرف جلوگیری از افشا و انتشار قیام میکرد.

شورش های (کین جر) و نیوچرکاسک و... بصورت گسترده رخ داد و تلفات جانی بسیاری بحای گذاشت و بیش از چهار هزار زندانی و بالاخره لادرک بار آورد.

در عین زمان خفه کردن قیام هنگری در سال ۱۹۵۶ (همچنان قیام چک ها در سال ۱۹۶۸) بارزترین مبارزات ملی مردم هنگری و چکوسلواکیا بود که شوروی نتوانست جلوا فشاء شدن قیام ها را بگیرد.

شوروی بانسان دادن درامه توسعه طلبی اش جهان را در جریان نمایش قرار داد و با توجه به خارج از مرزها نصاب های داخلی را تسکین میداد و هم از جهتی هشدار کامل به شورش های حتمی اوکرایینی ها و جمهوریهای بالستیک بود. چنانچه مسئله اشغال افغانستان (۱۹۷۹) در واقع جواب طغیان مردم مسلمان آسیای میانه بود که بنحوی پیش گری کرد.

پس معلوم شد که روش تجاوزات و توسعه طلبی های اتحاد جماهیر شوروی که تحت پوشش ایدئولوژییک و همبستگی بین المللی می نمود



توجهات تسلط و توسعه طلبی راهمیشه بنام دفع خطرات خارجی، حفظ امنیت سرحدات از خطر امپریالیسم غرب در منطقه و ۴۰۰۰؟ آن همه توجهات غلط و دروغ بمحض بوده، بلکه آنچه شوروی را تهدید میکرد، به خطرات داخلی مواجه بوده و از قیام مردم و رعایای تحت ستم در هراس بوده.

سیاست "گیرش تانکورت" از دیر زمان معمول حکومت های شوروی بوده حتی زمان تزارگریه و وقایع اشغال مرسال ۱۸۸۴ اورسیدن به مرز کوهستانی وسیع ایران و افغانستان بررسی شود معلوم خواهد شد که حکام مزدورو - فریب کار در طول تاریخ جز مکر و فریب دیگر رسالتی را تعقیب نکرده و نمی نمایند روس ها با همین سیاست از او را ل گذشتند و در آسیای پای نهادند و مناطق کم نفوس و بیخالی از سکنه را نامردانه اشغال کردند و به بهانه رفع تجاوز کرده اند.

دیروز بعنوان حفظ امنیت استراخان به آسیای مرکزی و قفقاز هجوم آوردند و اخیرا " به بهانه حفظ امنیت و دفع امپریالیسم - افغانستان حمله کردند.

در بخارست کتاب هائی در تائید و اثبات تعلق تاریخی شهر باستانی " بسارابی " و بسا منطقه مول داوی که از سال ۱۹۴۴ ضمیمه خاک شوروی شده بودند نوشته شد، اما نویسنده و ناشر آن تا امروز لا درک گردید.

باتعجب که انقدر هراس در دولت مردان شوروی خائنین بود که برای جمع آوری و دستگیری موءلف و ناشر، قدرت نذلانی دارد منطقه و صدای غرش تانگ هادر کوچه و بازار بلند بود ۱۱

در اولان باتور " مغلستان " دوباره خط مغولی که از بالا به پائین نوشته می شد رائج شد، اما شوروی که از اجرا این قیام فرهنگ ملی مغلستان غافل گیر شده بود فوراً " باترس و هراس وارد کار شد و ظلم و احقافی را در مغلستان بکار برد که از نیشتن این قلم شرح دارد در سال ۱۹۴۲ خط " سیر ملی " بر مردم مغلستان تحمیل شد.

" ناسیونالیسم " ناسیونالیسم شرقی، شورش کشورهای اقمار در غرب و اسلام در جنوب را می توان یکی از علل افول و سقوط ستاره طایغان اتحاد جماهیر شوروی دانست، خطر جدی که در بین عصر حکومت های شرق و غرب جهان را تهدید می نماید، خطر گسترش ناسیونالیسم در عموم کشورهای محسوس است، گرچه طلا یسه دار ناسیونالیستی در جهان آفریقای جنوبی است، اما با پیشرفت علوم اجتماعی و حقوقی پرنده طایغان به همه کشورهای جهان بال گشوده است.

نویسنده انگلیسی: (اگر تمدن را در انگلوساکسون خلاصه کنیم و سعی در عمومیت آن کنیم، شامه هاراموموم می کنند زیرا انگلوساکسون جز خود خواهی و خود پروری - نتیجه ندارد، مضافاً که مردم ما از نظر برخورد های اجتماعی غریب اند خواهی، نخواهی زندگی بدنی هر قوم و قبیله زائیده بینش و فرهنگ آنهاست، پس چه بهتر که به همه فرهنگها و عرف ها انسان ها احترام بگذاریم و ناسیونالیستی را تعظیم نمایم که رجعت خواهان معنی انسانی در کره زمین به فرهنگ خودشان متحمس است ۴۰۰۰ و دولت ها در غرور سیستماتیک اندراندند) پاکس - پرنده ابی ویا " بالا خیره سیاهان بر سفیدان غالب و شب هدر و محرومیت هلبه پایان می رسد، پس درخت ناسیونالیستی را آب دهید " فرانس قانون ویا " من از کلمه

و جنگ، علما حقوق از گسترش ناسیونالیستی در جهان هراس دارند، خاصه نگرانی روسیه افزایش ناسیونالیستی در روسیه که اخیراً " دیوار آهنین روسیه که اخیراً " دیوار آهنین روسیه شکست و تمام مخاسیات لیبیسم را زیر و رو کرد، پس عقده های ملیت ها و اقوام مختلف منفجر می شود و این بلند آوازی دولت مردان شوروی قبلاً " خواب پریشان دیده اند و حال پریشان تر ۱۱ که این رشته سرد را ز دارد؟؟؟

زیراتشکیل مجموع روسیه از اقوام و ملیت های مختلف مختلف است، بلکه بومی های روسی الاصل تعدادشان کمتر از اقوام مختلف است " دنگ شاپونگ " بارها گفته بود، نمی شود چین را اشغال کرد حتی اگر پیکنگ و تمام می شمال منطقه دریای زرد را اشغال کنند، برای ما تازه سراغ از جنگ است "

اگر در سرحدات طولانی روسیه و چین از پامیر و ادیواستنگ - جنگ چریکی درگیر شود که تازه ملامتی دیده میشود، روسیه کنونی چقدر بخود اطمینان دارد تا حرکت مردمی را سرکوب خواهد کرد یا اقل " حلوگی - ری نماید ۱

وقتی که گرباچف رهبر مستعفی به یلتسین رئیس جمهور روسیه پیغام جدی می دهد که دولت هر چه زودتر باید بر مشکلات داخلی فایق شود که اگر دیر به چید روسیه به مصیبت بزرگ و جبران ناپذیر مواجه خواهد شد، که این اظهار گرباچف اعلان قیام ملیت ها و اقوام مختلف و ختم دولت روسیه خواهد بود ۱۱۱

مسئله قیام اتحادیه کارگری لیخ و السادر لهستان و حرکت جنگ هار انباید مثل کمونست های ریاکار تصور کرد که ریشه اقتصادی دارد؟ بلکه اساساً عقده های ناسیونالیستی و منطقه باید دانست که از روس ها مردم لهستان عقده داشته، و اساساً " موفقیت لهستان سبب مهمی بود بصورت مغرور بر ژرف و دولت مردان شوروی خورد " زیرا بر ژرف گفته بود: که اتحادیه کارگری لهستان " علف خشکی " است که در نشست ارتش بیرخ، ۱۹۰۰۰

اسلام:

میخائیل روکن در مقدمه کتابش **پایان اندیشه** که (در روسیه ملیت های متعددی وجود دارد دلاکن مسلمانان خطر اصلی برای مسکوبه حساب می آیند زیرا این ملت برخلاف ملیت ها از روسها بیگانه اند)

مسئله اسلام در درون سرزمین روسها که بیش از ۷۰ میلیون نفوس دارند فرهنگ آن کاملاً متفاوت از روسهاست، علاوه دشمنی های ریشه دار و خطرات بس ناگوار جنگ با کمونیزم دارند که مبارزات طولانی مسلمانان را با کمونیزم از سابقه طولانی بوده و هنوز هم خطر بالقوه می باشند و اخیراً " در حزب اسلامی تاجیکستان تبلور یافت و در واقع اسلام مرزهای آسیای امپراطوری اتحاد جماهیر شوروی را در داخل روسیه بعقب زده است.

اسلام فقط تنها اعتقاد مذهبی نیست بلکه مجموعه آزارش های تاریخی و فلسفی مکتب است که در هر جای دنیا عرض اندام کرده

و در آسیای مرکزی و جنوبی در واقع با هویت قومی و نژادی مردم عجین است، عامل وحدت بخش اجتماعی اسلام در مفهوم " امت " بمعنی تبلور جامعه است که همه مسلمانان خود را جزئی از آن میدانند.

شعله تجاوز اتحاد جماهیر شوروی به آسیای میانه فقط توانست که مسلمانان منطقه را غافل گیر کند و با سر نیزه مسلمانان را مرعوب سازد که انهم معلول غفلت و تحجر فکری در آن زمان بوده، شوروی توانست يك تعداد از جوانان بی خبر و بدون معلومات را در اعتقاد شان رخت ایجاد نماید تا با کمک اداره جهتی کا، حی، بی همدست شده و تیشه بریشه خود زدند (مثل رسوب کمونیزم در افغانستان که با اله قرار گرفتن يك تعداد خیلی محدود افراد و مردم بی بند و بار و هم به علت ضعف سیاست حکومت های وقت، رسوب کمونیسم فراهم نمودند) اگر چه در آسیای میانه مبارزین خوبی مثل مبارزین تاجک بسر کرده گی انور پاشا و طلعت پاشا بسیار از سرزمین های عضویه رافتح نمودند فقط علل یا معالیل ضعف سیاسی و دودسته گی و فشار بی رحمانه ارتش شوروی و ده ها علل دیگر بزودی مبارزین را عقب زدند و حکومت اختناق و شکنجه برای منطقه حاکم گردید تا حدی که نقشه آسیای میانه از جغرافیای رسمی را شوروی محو نمود.

شوروی ها غافل از مسئله روانی غائله بودند چنانچه مسایل روانی نژادها و مفهومی ندارد که انقدر ظلم و طغیان بر مردم آسیا کردند بهمان پیمانان ایمان و قدرت ان باتصمیم ها را در مردم مظلوم بخصوص دانشمندان و صاحبان در دودرک محکم تر نمود و بیخه اسلام در قلب ها زنده و جاوید ماند.

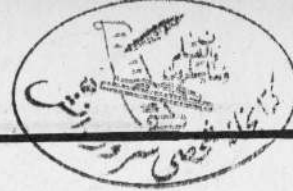
در واقع نیروی اسلام در آسیای میانه در سینه ها با عشق و علاقه ماند و منتظر فرصت بودند و طعم واحقاق شوروی نتوانست آن شعله جاوید را در مردم مسلمان انجا خفه نماید، که نمونه آن عشق و ایمان را در طغیانها و عصیانهای سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۶۹ در تاشکند و شورش خونین ۱۹۷۸ در شهر دوشنبه مشاهده شد و تا اندازه با بهانه های مختلف و اعتراضات بر فرهنگ تصنعی روسی و اصطلاحات قومی و ملی هنوز کما فی السابق ادامه دارد.

دور نمای سرزمین های آسیای میانه بیان گر حرکات سری بود که تنظیم های اسلامی در خانه های تیمی بصورت خیلی سری مبارزات فرهنگی اسلامی و روشن گری انجام می دادند چنانچه:

کتاب عروس فرغانه، کتابی است که تحت يك عنوان در دو مرتبه با متن متفاوت از یکدیگر تالیف و چاپ شده است.

کتاب اول عروس فرغانه، نوشته صدرالدین عیسی است که برای خدمت به بدستگاه سوسیالیسم بوده و نویسنده از جمله روزی خواران دستگاه حاکمه و کا، حی، بی بوده و بیشتر بصورت دراماتیک نوشته شده و غرض از نویسنده نشر و تبلیغ و اشاعه بی بند و باری بوده که به موضوع اشک معاشقه و تخطئه روحانیون داده شده.

و اما کتاب دوم نیز بنام عروس فرغانه تحریر شده و کتاب مذکور در سالهای اخیر بعد از ۱۹۵۰ نوشته شده که بیان گر يك سلسله مسائل حقوقی، دینی و اسلامی و روشن گری ملی برای رهائی از جنگ پنجه های خرس های قطبی و یانحات از اسارت اختاپوس دریای یخبندان



خصوصیات وویژه‌گیهای اخلاقی استاد شهید صادقی:

قلم بدست گرفتن و سخن پرداختن پیرامون شخصیت والا و خصوصیات اخلاقی روحانی مجاهد، عالم توانا و خدمت گزار لایق و شایسته اسلام سرباز فداکار انقلاب، استاد صادقی کاری است مشکل و امیری است دشوار، چه اینکه سخن گفتن، درباره شخصیت وویژه‌گیهای اخلاقی این ابرمرد جهادسنگر داری الاینش بمنزله بازگونی نمودن عظمت و بزرگواری و صبر و بردوباری یک ملت سلحشور و مقاوم و تحلیل از تاریخ سیزده ساله جهاد و استقامت، ایثار و فداکاری، قهرمانی و دلایری مجاهدان گمنام و جنگاوران بی‌نام و نشان، در قلب طپیده آسیا و خط خونین افغانستان خواهد بود، لذا بطور گذرا و فهرست وار، ویژگیها و خصوصیات اخلاقی این شهید عزیز را برمی شماریم:

۱- قاطع بود و دارای صراحت لجه: یکی از ویژگیها و خصوصیات اخلاقی استاد قاطعیت و جدیت وی بود از زمانی که استاد قدم در جامعه اسلامی گذاشته و وارد کارهای سیاسی و اجتماعی شد حتی قبل از انقلاب اسلامی در دوران اوج قدرت حکومت طاغوتی خصوصا " در زمان حاکمیت داود دلا مبارزه - همه جانبه را علیه ناهنجاریها و فاساد اجتماعی آغاز نموده و قاطعانه در برابر دولت و عوامل آن در قالب ارباب و خان ایستاد و در زمان انقلاب نیز از لحظه ای که قیام مسلحانه را شروع کرده و نیروهای جهادی و مقاومت مسلمان علیه حکومت خلقی بسیج و رهبری نمود کوچکترین ترزلی از خود نشان نداد و تحت هیچ شرایطی با دشمنان و مخالفین انقلاب سازش و معامله سیاسی نکرد.

شهید صادقی در تمام دوران زندگی سراسر مبارزاتی اش، سخت ترین شرایط را تحمل نموده در برابر مشکلات اجتماعی و مسائل جبهه و جنگ کار شکنیها و کج رویهای ایادی استکبار جهانی از خود ضعف نشان نداد بلکه با جدیت هر چه تمام تر دست سازش کاران و معامله گران سیاسی و شخصیتهای که نان رابه نرخ روز می خوردند نیز از درون جامعه کوتاه ساخت وی در عین حالیکه در موضع گیریهایش قاطع بودن نسبت به کسانی که در شرایط انقلاب، گامهای غیر مسئولانه برداشته و از شرایط موجود موقعیت و مقام خویش، احساسات و علایق مذهبی مردم و عدم رشد سیاسی و فکری آنان سوء استفاده مینمودند بی پروایی پرده حرف زده و در صورت عدم هدایت ضمن برخورد قاطع چهره آنان را افشاء مینمود و با صراحت لجه ای که داشت مردم را در جریان خلاف کاریها، خود سربها و بی بند و باریهای بداندیشان و غرض ورزان قرار میداد. اگر شهید صادقی سالها مورد تهمت و افتتاری یک عده افراد فرصت طلب قرار گرفت و بعضی از افراد و شخصیتهایی که از نام و موقعیت و زحمات طاقت فرسا و جهاد قهرمانانه وی در داخل و خارج نام و نشان و شهرت و آوازه، منصب و قدرت کسب نموده و آخرالمر در مقابل وی موضع گرفتند تنها قاطعیت و جدیت و صراحت لجه استاد در برابر حرکتهای غیر اصولی آنان در جامعه اسلامی بود و الا وی نه ضد روحانیت بود و نه هم طرفدار تضعیف و کوبیدن آنان. بلکه به روحانیت و خدمت گزاران به اسلام و انقلاب اسلامی بیش از حد احترام قایل بود و در برابر حرکتهایی که سبب تضعیف و کوبیدن روحانیت اصیل و فداکار میشد شدت برخورد میکرد اما نسبت به

شهید صادقی ستاره درخشان انقلاب اسلامی افغانستان

تندر و بیها و خود سربها و کارهای غیر اصولی شان نیز بسیار حساس بوده و بدون در نظر داشت موقعیت اجتماعی و مقام آنان صراحتا " اینگونه موارد را بازگو مینمود و ۰۰۰ دقیقا " جمله بسیار زیبا و تاریخی که ابام خمینی (ره) درباره شخصیت بزرگ عالم مجاهدیت اله شهید دکتر بهشتی فرمود: بهشتی مظلوم زیست و مظلوم مرد و خار چشم دشمنان اسلام بود عینا " باشیوه برخورد ضد انقلاب و مخالفین شهید صادقی نیلی تطبیق میکند بر آستی استاد صادقی در طول تاریخ زندگی خربش مظلومانه زندگی نموده و مظلومانسه به شهادت رسید و خار چشم دشمنان اسلام و ضد انقلاب و افراد فرصت طلب و مغرض بود. او خود با بوزری دیگری بود این زمان، روز نبرد چون سپری بود این زمان.

دستی بریده با دکه ان سرور را برید دستی شکسته با دکه ان سینه را درید

۲- انقلابی بود و متواضع:

شهید صادقی با اینکه فردی بود مبارز و جنگجو رزمنده، بود و انقلابی در عین حال شخصی بود متواضع و در برخورد همیشه لبخند بر لبانش ظاهر بوده و با دنیایی از بزرگواری و مهربانی نسبت به اطرافیان و هم صحبتانش، ابراز محبت و صمیمیت، تواضع و فروتنی مینمود و چنان تواضع داشت که هر کس وی را می دید گمان میکرد که نزدیک ترین فرد محبوب ترین شخص، نزد استاد می باشد در شرایطی که در زمان اوایل انقلاب در کابل مناطق مرکزی و در میان مجاهدین و روحانیون منطقه، موقعیت ویژه ای اجتماعی و پیکاه مردمی را بخود اختصاص داده بود هیچگاه نام و نشان " شهرت و آوازه " منصب و قدرت، و وجهه ملی و مردمی او را بخود مشغول نساخته و در تحت تاثیر اینگونه عناوین قرار نگرفت.

کسانی که از نزدیک وی را ندیده بودند در برخورد اول با استاد صادقی، از تعظیم و تکریم و تواضع و فروتنی وی در برابر دیگران، تعجب مینمودند که صادقی که زبان زد دوست و دشمن بوده و شبها از ترس و وحشت از شجاعت و شهامت او خواب راحت، از چشم دشمنانش سلب شده است این قدر خوش برخورد باشد.

استاد صادقی نه تنها در مقابل بزرگان حتی در مقابل بچه های کوچک، احترام و تواضع مینمود و سعی داشت که هیچ کس قبل از او سلام نکند در سلام کردن ب دیگران سبقت گرفته و پیشی می جست و در جلسات و گردهمائیها با جلونشستن و تعارف و تشریفات حاکم در میان جامعه مخالف بود در راه رفتن از دیگران جلوراه نمی افتاد و نسبت به کسانی که با مردم متکبران و غیر مسئولانه برخورد می نمودند شدیدا " مخالفت کرده و قاطعانه موضع میگرفت این عمل خدا پسندانه استاد یکی از عوامل گرایش مردم و دلگرمی بیش از حد مجاهدین مسلمان منطقه شده و محبوبیت وی را روز بروز بالا می برد.

۳- شجاع بود و مقاوم: اگر آوازه شجاعت را بمعنی نترسیدن از صحنه های پر پیچ و خم مبارزه و ایستادگی مستقیم در برابر دشمن و دست و پنجه نرم کردن در مقابل

سختیها، گرفتاریها، فشارها و تنگناهای موجود و بالاخره نه گفتن و خط بطلان کشیدن روی انواع شدائد و مشکلات اجتماعی و معنی نمائیم استاد صادقی مردی بود شجاع و بی پروا در عین حال مقاوم و استوار روی از روزهای آغازین مبارزه اش علیه وضعیت نامطلوب اجتماعی و برچیدن مظاهر ظلم و استبداد، شرک و فساد داخلی، از خود ترس و نگرانی وضعف و سستی نشان نداد در صحنه های مبارزه سیاسی و فرهنگی مردانه بمقابله پرداخت و هرآنکه خلاف اصول انسانی و ارزشهای اسلامی قدم برداشته و در صدد پامال نمودن حقوق جامعه مظلوم و قشر زحمتکش کشور برآمد قاطعانه ز دست بمبارزه همه جانبه علیه اوزده وزمین سازی تحول و دیگرگونی فکری را در میان مردم فراهم نمود و در سنگرهای داغ جهادی و صحنه های مبارزه مسلحانه، در طول ۱۱ سال انقلاب و در سخت ترین شرایط نهضت رهائی بخش ملت سرافراز و سربلند افغانستان، هیچ گاه پشت بدشمن نکرده دلیرانه و مالک اشتر وار در قلب سپاه دشمن زبون تاخته و فتح و پیروزی را از آن خود و مجاهدینش ساخت.

شجاعت استاد صادقی در جنگها زبان زد خاص و عام و خور دو بزرگ بود و در هر سنگری که حضور داشته و نام صادقی نیلی بر زبان برده میشد خود به خود لرزه بر اندام دشمنان افتاده و بزرگترین مرکز و محکم ترین سنگران سقوط مینمود که دهها نمونه ای عینی (عینی) انرا در فتح ولسوالیها و مراکز دولتی مجاهدین و فرماندهان جهادی شاهد بوده اند حتی در میان مناطق دور دست داستانهای باور نکردنی و بشکل افسانه ای شنیده می شد که صادقی نیلی در شدیدترین لحظات جنگ در قلب دشمن میتازد و پیش می رود و هیچ گلوله ای دشمن بر او نثار ندارد، ولی موقع که پس از خاتمه جنگ و درگیری کمرباز می کند گلوله ها بر زمین میریزد، یکی از دوستان تعریف مینمود که روزی دیدن یکی از علمای بزرگ منطقه در ولایت بامیان رفتیم ایشان از استاد سوال نمود که این قضیه واقعیت دارد یا خیر؟ اما استاد صادقی لبخندش برین نموده جواب داد که این کار شبیه معجزه است و من یک انسان عادی بیش نیستم اما اگر شجاعت را بمعنی خود سازی و مبارزه با هواهای نفسانی و نادیده گرفتن جنبه های غیر اخلاقی و مکتبی بگیریم چنانچه در روایات میخوانیم که: که اشجع الناس من غلب هواه و المجاهد من جاهد نفسه: شجاع ترین مردم کسی است که با هوای نفس خویش مبارزه نماید و مجاهد فردی است که بانفس خود جهاد و مبارزه کند بحق او مجاهدی بود شجاع و رزمنده ای بود خود ساخته و فرمانده ای بود مقاوم و استوار که در تمام مراحل زندگی خود با همه قرا و نشیبها تحت تاثیر تحولات و شرایط حاکم قرار نگرفت نه تشنه قدرت بود و نه طمع بریاست داشت نه هم فرمانروایی را دوست داشت و نه طرفدار کسب شهرت و آوازه در همه حال، محور حرکتها و تلاش هایش رضایت خدا و رعایت مصالح اسلام و انقلاب اسلامی و حفظ حقوق محرومین و مظلومین را قرار داده دوستی و دشمنی و سکوت و موضع گیری اش نیز برای خدا بود و بیس.

۴- صادق بود با تقوی: از شاخه های مهم و بارز شخصیت استاد و نقطه امتیاز او بر دیگران، صدق و صفا، صمیمیت و اخلاص، صداقت و راستی تعهد و تدین و تقوی و خویشتن داری اش بود از روزی آغازین جوانی که قدم در سنگر مدرسه گذاشته و از آنجا وارد جامعه



شد زندگی سراسر مبارزاتی استاد مالا مال از صداقت و راستی در انجام وظایف و امور اجتماعی بودی -

عقیده داشت که مسئولان و دست اندرکاران جامعه باید تمام مسایل مربوط به جامعه را با آنان مطرح کرده و صادقانه برخورد نمایند. استاد صدیقی همیشه قولش با عمل توأم بوده و نسبت بکسانی که با مسایل اجتماعی و سیاسی دوپهلوی یا کارانه موضع می گرفتند شدیداً بمخالفت برمی خواست از صدق و صفا و تقوی و پرهیزگاری وی هم در شان و شاگردان و هم در زمانش دهها وصدها خاطره بر زبان دارند، سخنانش بر خواسته از عمق قلب و فریادش ناشی از مظلومیت ملت و مبارزه اش حاکی از عشق بجهاد و عملش بیانگر از صداقت و تقوایش بود. هر آنچه را که بمصالح اسلام و امت اسلامی تشخیص میداد بی پروا با مردم مطرح می ساخت. استاد صدیقی در هیچ شرایطی تحت تاثیر تحولات سیاسی، اجتماعی و تنگناهای موجود در منطقه قرار نگرفت و همانند خیلی از افراد انقلابی نما، نان راه نرخ روز نخورده و با تظاهر و خود نمائی و ریاکاری و دورویی، قدرت نمائی و قدرت طلبی بشدت مخالف بود و بیه دیگران نیز اجازه نمیداد که با این عناوین ضد ارزشی و اخلاقی با مردم و جامعه اسلامی برخورد کرده و سوء استفاده نمایند.

در صداقت استاد صدیقی همین بس که حتی مخالفان و دشمنانش از راستی و صداقت او تعریف و تمجید مینمایند و از این نظر زبان زد دوست و دشمن بود. بقیه اوصاف صدیقی صادق بود مکتبی و متعدد. در تقوایش همین کافی است که در طول یازده سال انقلاب با اینکه اولین و قدرت مندترین فرد در منطقه بوده و میلیونها پول و صدها میل سلحه و امکانات بیت المال در اختیارش بود و کوچکترین لغزش از وی دیده نشد و هیچ گاه از این امکانات هنگفت صرف زندگی شخصی خویش نکرد در عین حالیکه اکثر اوقات مصروف مسایل اجتماعی و امور جبهه و جنگ بود در اوقات فراغت، بیل و کلنگ بدست گرفته و به اندازه چندین نفر کار میکرد از دست رنج خویش در راه پیشبرد اهداف انقلاب و یاری رساندن به طبقه محروم و مستمند کمک مینمود یکی از اعضای شورای مرکزی و هیئت اعزامی حزب وحدت اسلامی افغانستان بخارج تعریف مینمود که شهید صدیقی زمانی که از ارژگان جهت شرکت در جلسات شورای مرکزی در میان آمده بود روزی در جلسه شورا دست به کمر برده مبلغ یکصد و پنجاه هزار (۱۵۰۰۰۰) پول افغانی را بیرون آورد و به جانب اعضای شورای مرکزی کرده گفت این مبلغ از دست رنج و پول کارگری و شخصی من است برای پیشبرد اهداف انقلاب، خرج مجاهدین و مصالح مردم به حزب وحدت اسلامی میدهم و قرار دادمی بندم که هر ساله این مبلغ را پرداخت نمایم، این یک مورد از دهها وصدها نمونه ای بود که استاد در منطقه شهبادر و از خانه فرار گرفته و همانند رهبر و مقتدایش حضرت علی علیه السلام به بیوه زنان و محرومان مستمندان و گرسنگان کمک پولی و غذائی مینمود.

والذین جاهدوا ولنهدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین .

خدمتگزار بودی توقع :

باتوجه باینکه شهید صدیقی خدمات بزرگی را در طول سالهای زندگی اش انجام داده بود که مادر گذشته، در بخش خدمات اسیتاد ذکر کردیم

مع الوصف او توقعی از جامعه نداشت و منتی بر گردن دیگران نمیگذاشت بلکه همیشه خویش را مدیون جامعه اسلامی و مردم مظلوم ورنجدیده کشور دانسته و مثلیک سرباز فداکار و ایثارگرمش و روز در تلاش بود که برای سعادت و خوشبختی، استقلال و آزادی، یا لا بگردن وضعیت اقتصادی و رشد فکری و آگاهی جامعه از جان خویش مایه بگذار د شهید صدیقی با در نظر داشت حدیث نبوی (ص) که :

الاکلام راع و کلکم مسئول عن رعیتهم خود و هر مسلمان مکتبی را در برابر حوادث و گرفتاریهای اجتماعی مسئول می دانست و همیشه برای شاگردان خود در سنگر مدرسه و تدریس به همزمان و مجاهدانش در سنگر جهاد سفارش مینمود که محبوب ترین عمل نزد خدا خدمت به قشر مظلوم ورنجدیده کشور میباشد .

استاد صدیقی که از اول انقلاب، بعنوان پسر چمدان مبارزه مسلحانه علیه دولت مزدور ترکی در تمام صحنه های جهاد سینه خود را سپر گلوله های دشمن ساخته و فرماندهی عمومی را در کل مناطق مرکزی بعهده داشت نه تنها از انقلاب و مردم چیزی نخواسته و توقعی نداشت بلکه خویش را در برابر انقلاب سلاب و خون های پاک شهدا، مدیون میدانست و این جمله ای زیبای امام راحل (ره) را که :

هی نگویید انقلاب بیا چه کرده است بلکه بگوئید شما به انقلاب چه کرده اید؟ سرلوحه زندگی خویش قرار داده بود در حالیکه شب و روز برای خدمت به مردم و پیشبرد اهداف والای - انقلاب و تحقق بخشیدن حکومت اسلامی در افغانستان خون دل میخورد هرگز احساس خستگی نکرد و آخر الامر بزرگترین سرمایه خود که جان شیرین فرزند دلبنده اش را فدا نمود .

پروازگر دعاشق صادق بسوی دوست
ره یافت صدیقی ز صداقت بسوی دوست

می خوانند غمزه ملکوتی بگوش ما بگذاشت بار سخت رسالت بدوشما
اوزنده است زنده جاوید پایدار
اوزند مکر دبار دیگر رسم سربدار
لبیک گفت تو سن همت بزین کشید
دیوهوای نفس ز زین بر زمین کشید
از خود گذشت تا که بیار اید اتحاد
باموج زندگی چوبه اراید اتحاد

ان سرو استوار خدایا چه کس شکست سردار سربدار خدایا چه کس شکست

عز زندگی ساده داشت و روحیه مردمی

یکی از خصوصیات برجسته اخلاقی استاد این بود که در تمام دوران عمر خویش بطور بسیار ساده و معمولی زندگی کردی در زندگی لباس بسیار ساده، غذای معمولی و... مثل پاشین ترین قشر جامعه رفتار کرده و شب و روز را محقرانه پشت سر میگذاشت از آنجاییکه استاد صدیقی از متن مردم محروم و کوخ نشین جوشیده بود بارنج و درد، فقر و در بگیری جامعه آشنائی داشت و با ممانی های پرخرج و اشرافی مخالف بود و حتی الامکان سعی داشت که در این مجالس شرکت نکند، سالها در سنگر رزم و جهاد روی ریگها و سنگلاخها و خاکها خوابیده و عملاً " برای مجاهدین و انقلابیون الگویی واقعی از صحنه های جنگ مسلمان راندر صله اسلام علیه کفار در ذهنها تداعی نمود .

اکثراً " در سنگرها و مسیر راههای خط مقدم جبهه با افراد تحت فرمانش به نان خشک قناعت میکرد و بیه کسی اجازه نمیداد که

بالا تر از قدرت و توانائی مردم در غذا خوردن چیزی طلب نماید .

در یکی از سفرها و اعزام مجاهدین به جبهه شنیده شد که یکی از مجاهدین در مسیر راه از صاحب خانه ای برای خرید مرغ و همراهانش شور وای گوشت مرغ، تدارک دیده بود استاد پس از اطلاع علاوه بر پرداخت قیمت مرغ صاحب خانه و جلب رضایت وی، این مجاهد را پس از تنبیه، از صف مجاهدین طرد نمود، استاد در مسافرت ها همیشه با پای پیاده می رفت با اینکه دیگران افتخار مینمود که برای وی اسب و... تهیه کند و خدمت گذار استاد صدیقی باشد ولی از این کار نفرت داشت و مثل سایر قوماندانان جهادی و شخصیت های سیاسی، مذهبی که با تشریفات معمولی و همراه داشتن افراد مسلح بعنوان نگهبان و پاسدار افتخار می نمایند مخالف بود .

زمانیکه استاد صدیقی با سایر همراهان خود (اولین هیئت اعزامی شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان) به خارج از کشور بعنوان پیام اوران وحدت در آخر سال ۱۳۶۸ در ایران آمده بود باینکه تمام امکانات رفاهی در هتل استقلال و لاله در تهران در خدمت وی بود از این وضعیت، بارها اظهار ناراحتی میکرد می گفت اگر مصلحت کشور انقلاب و مسئله تحکیم پایه های وحدت نمی بود یک لحظه در این جا اقامت نمی کردم و شب ها اگر روی تخت در هتل می خوابم احساس میکنم که خاری در بدنم فرو میرود و آرامش از من سلب میکند (ای کاش در منطقه در کنار مجاهدین مردم می بودم ولی گرسنه در روی خاک می خوابیدم موقعی که بمشهد برای ملاقات با مجاهدین، مهاجرین و روحانیون آمده بود قصد اقامه داشت و از ماتقاضا کرد که یکی از آشنایان که ماشین داشت برای استاد پیاده کنم که همه طلا و علما، مجاهدین و مهاجرین را از نزدیک دیدار نماید می گفت من از تشریفات خسته شده ام بدردمن نمیخورم دوست دارم - گرسنه باشم، اما با مردم و در میان آنها که مایلحظ امنیتی این مسئله را قبول نکردیم . دقیقاً " زمانیکه دفاتر حزب وحدت در ایران افتتاح گردید زندگی کردن در خارج از کشور و استفاده از امکانات رفاهی و شرکت در جلسات تشریفات و... را کنار گذاشته و از همه شخصیت های همراه و افراد هیئت عالی رتبه اعزامی زودتر عازم منطقه شده که این خود بیانگر روح نا آرام استاد از نبودن در کنار مردم و مجاهدین قهرمان و سرفراز منطقه بود .

بی بی سی ۲۲ ر ۷ ۱۳۷۱

استاد عبدالحق شفق سخنگوی حزب وحدت اسلامی طی گفتگوی تلفونی بابی بی سی اعلام کردند که حزب اله افغانستان به حزب وحدت اسلامی پیوست .

خزان در...

در افغانستان حکومت نماید - پس چه بهتر با تفاهم و هماهنگی با قبول کردن یک دیگر و تن دادن به حقوق همه ملیت ها معضله را حل نموده به برادر کشی خاتمه داده و میلیونها انسان مسلمان زجر دیده را از سردرگمی نجات دهند، با مید آنروز .

پایان



گزیده اخبار

روزنامه جنگ کویت ۲۸ سبتمبر ۱۹۹۲:

برهان الدین ربانی رئیس جمهوری افغانستان گفته: رهبر جماعت اسلامی پاکستان قاضی حسین احمد به یکی از احزاب امداد مهیا کرده خون و خرابه رافروغ داده است.

ایشان علاوه نموده: برای تشکیل شورای حل و عقد کمیونی بو خود آمده که در آن از هر حزب - دونفر حیث عضو گرفته شده و اجلاس ایمن کمیون جاریست.

آقای برهان الدین در پاسخ سئوالی اظهار داشت که: از طرف جماعت اسلامی پاکستان (قاضی حسین احمد در امور داخلی کشور مان مداخله می شود که من از اعضای شورای جماعت اسلامی طی نامه ای خواسته ام که از مداخلت قاضی جلیو گیری کنند.

رادیویی بی سی:

بر اساس تعهدی که ماه گذشته به امضای حکمتیاری و دولت موقت رسیده سخنگوی وزارت دفاع اضافه کرد که در مورد تکمیل خروج ملیشای سابق از پایتخت مهلتی تعیین نشده و ضمناً "حکمتیاری به تعهد خود در موافقت نامه آتش بست یعنی خارج کردن ملیشه های وابسته بحزب اسلامی عمل نکرده وزارت دفاع در رابطه باتازه ترین تهدیدات قاضی حکمتیاری مبنی بر باز سرگیری حملات موشکی به کابل به دو خط مشی مختلف متوصل شده است خارج کردن ملیشه های سابق از کابل یکی از اعتراضات اصلی حکمتیاری به دولت رافع میکند و تجدید سازمان وزارت دفاع به ایجاد یک ارتش متحد جدیدی منجر میشود که کاملاً آماده کی مقابله با هر نوع حمله ای را خواهند داشت.

اینکه حزب اسلامی چه واکنشی به این تصمیم دولت دارد سئوالی است که امروز باقریب الرحمن سعید از خبرگزاری مربوط حزب اسلامی در میان گذاشتیم ایشان گفتند مشکل خاصی این است که: کمونیستها از قدرت خلع شود، ملیشه ها از شهر بر آیند همین دو عامل عمده است.

بی بی سی ۱۹ اکتوبر ۱۳۷۱ - ظاهر تنین خبر:

در مجموع اقدامات اخیر بشمول بر طرفی ها و تقرر افرادر وزارت دفاع نتیجه تفاهماتی است که با اشترک کشورهای ویدخل در سر نوشت افغانستان یعنی جمهوری اسلامی ایران - عربستان سعودی و پاکستان رخ می دهد.

اخیراً "استاد ربانی از سفری به پاکستان و ایران بازگشت نمود و طوریکه

شنیده میشود آقای ترکی الفیصل نماینده سعودی نیز به کابل آمده احتمالاً "بنظر ماکشو های نیگل وزمام داران کنونی کشور که در مرکز او جمعیت اسلامی افغانستان قرار دارد توصیه میکنند تا با تصفیه تمام عناصر غیر مجاهدین بوحدت برسند.

البته برخی از رهبران مجاهدین علت اصلی منازعات اخیراً ائتلاف دو جناح مجاهدین بابخشهای باقیمانده رژیم نجیب الله تلقی کرده و پیوسته با فشاری کرده اند که با تصفیه اردو در مجموع دولت از کمونیستها و عناصر گذشته منازعات فعلی خاتمه خواهد یافت.

اکنون بنظر میرسد که رهبران کنونی کابل حاضر شده اند بقیمت راندن همکاران باقی مانده از رژیم قبلی زمینه را برای همکاری سایر گروههای عمده مجاهدین به استثنای حزب مخالف آقای حکمتیاری مساعد سازد. در اینجا دو مسئله باید در نظر گرفته شود.

۱- تکرار صلح ۲- وحدت میان مجاهدین و ایجاد یک حکومت با ثبات، باید گفت اگر اقدام به بر طرفی های عناصر رژیم قبلی و مقرری های جدید بتواند به امر استقرار صلح، قطع جنگ و پایان دادن به در بدری و آوارگی افغانها کمک کند دلیل بر مخالفت علیه او وجود ندارد و یک گام مثبت میتواند باشد، ولی همزمان ما فکر میکنم که مسئله استقرار صلح و ایجاد یک حکومت با ثبات و قانونی حدود و وسع و وسیع تری را در بر میگیرد و مستلزم داشتن دید وسیع و همه جانبه در مورد پیرایم های امروز و فردا کشور است، اگر هم ائتلاف دو جناح مجاهدین بابخشهای از بقایای رژیم گذشته یکی از علل منازعه باشد، همچنان یکی از علت مهم دیگر منازعه عبارت از اختلاف بر سر چگونگی سهمیه بندی قدرت در کابل است، من جمله حزب حکمتیاری با جمعیت اسلامی در سنت در همین مورد اختلاف دارد به این سئوال اصولاً ممکن است از طریق یک شورای، هر گاه ملی و انستانتات دیموکراتیک ملی باشد، لانه ممکن است پاسخ داده شود.

روزنامه جنگ کویت ۷ اکتوبر ۱۹۹۲:

صدیق کاندووزیر مملکت پاکستان در امور خارجه طی نامه ای برای جماعت اسلامی پاکستان از مداخلت در امور داخلی افغانستان و دامن زدن به جنگ داخلی آن کشور اظهار تاسف کرده و گفته است که حکومت مجاهدین از کابل چندین بار از حکومت پاکستان تقاضا کرده است که برای قاضی حسین احمد بگوید که در درون افغانستان دخالت نکنند و این مسئله را چه در دوره مجددی و چه در دوره فعلی گفته اند چنانچه ربانی در موقع مسافرت خود به پاکستان نیز در اسلام آباد طی یک کنفرانس مطبوعاتی این مسئله را یاد آور شد و شدیداً از جماعت

اسلامی انتقاد کرد و صد مرتبه نیز در کنفرانس مطبوعاتی در اسلام آباد چنین گفت و از حکومت پاکستان تقاضا کرده بود که برای قاضی حسین احمد بگوید که مداخله نکند، با اینک در تشکیل حکومت افغانستان علاوه بر مخالفت نواز شریف با قاضی، رای قاضی را مدنظر گرفته بود، صدیق کاندو در نامه خود اظهار افسوس کرده است که افراد جماعت اسلامی برخلاف حکومت قانون افغانستان شانه به شانه با حکمتیاری علیه آن دولت قانونی جنگ میکنند که درین حملات متاسفانه افراد زیادی قربانی شده اند.

بی بی سی:

۱۴ سال جنگ قبل از بقدرت رسیدن مجاهدین و جنگهای اخیر زیر بنای اقتصادی کشور را تقریباً نابود کرده و جریان آب و برق کابل را بشدت مختل کرده و بنا نزدیک شدن فصل سرما نگرانی از کمبود مواد سوختی افزایش پیدا میکند، درین شرایط است که آقای ربانی در توضیح نتایج سفر خود به ایران و پاکستان میگوید هر دو کشور قول داده که به کمک هایش ادامه دهد.

رئیس جمهور موقت افغانستان در گفتگویی با خبرنگاری بی بی سی از تشکیل شورای حل و عقد هم سخن گفته: مصاحبه استاد ربانی:

جمهوری اسلامی پاکستان یکبار دیگر پشتیبانی خود را از دولت اسلامی افغانستان - تاکید نموده و اظهار نمودند که پاکستان آمادگی دارد که کمکهای وسیعی را به مردم و دولت اسلامی افغانستان بنماید، همچنین زعمای پاکستان تاکید نموده که: "به هیچ حرکتی که بر ضد دولت اسلامی افغانستان سازمان داده شود در سرزمین پاکستان برای فعالیت چنین حرکت اجازه نمیدهند.

سفر ما در ایران که به اثر دعوت آقای رفسنجانی رئیس جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته بود مذاکرات بسیار مفید و مثبتی داشتیم، دولت اسلامی ایران بخاطر رفع مشکلات دولت اسلامی افغانستان و مردم ما اعتبار بانکی پنجاه میلیون دالری را در اختیار دولت اسلامی گذاشت، البته یک سلسله توافقات دیگری هم در ابعاد مختلف تجارتي، اقتصادی فرهنگی و سایر بخشها صورت گرفت که خیلی مفید بود. سئوال خبرنگار: آیا این کمکها قید و شرطی هم دارد؟

جواب: هیچ شرطی در دوران صحبت صورت نگرفت، و ما معمولاً "دولت افغانستان کمکها را تحت قید و شرط نمی گیرد و جمهوری اسلامی

گزیده اخبار

ایران بر اساس اخوت اسلامی و برادری و روابط عمیق فرهنگی و تاریخی که با مردم افغانستان دولت اسلامی دارند کمکهای بلا قید و شرطی را در اختیار دولت اسلامی افغانستان قرار داده و قرار میدهد.

بی بی سی

آقای ربانی تاکید کرد که افغانستان دیگر دارای یک ارتش است نه نیروهای قبیله ای، حذف نیروهای قبیله ای از ملاحظیات سیاسی مسئله ای است که کمتر کسی به مخالفت بآن برخواند خواست، اما در نظر حزب اسلامی و ۰۰۰ در ارتش جاه دادن ملیشه های شمالی از رژیم قبلی دفاع میکرد، برای نیل به صلح کافی نیست، خواسته کلیدی حزب اسلامی این است که ملیشه های شمالی از کابل بیرون برود و وظیفه گروه ده نفره (هیئت صلح) این است که برای عقب نشینی نیروها به طرحی برسد که مورد قبول همه باشد، اما با چوبی اعتمادی که حاکم است بنظر میرسد که هیچ کدام از دو طرف حاضر نیست کاری کنند که بنفع دیگری تمام شود که هر کدام از دو طرف دیگری را متهم میکنند که برای تقویت نیروهای خود و سلطه جویی در کابل از جنرال ها و ملیشه های رژیم سابق بهره میگرد، میان این دو فرماندهان نظامی و مردم عادی قرار دارند که میگویند در کشوری که جنگ و قدرت طلبی آنرا بپیرانی کشیده باخسونت نمیتوان کاری از پیش برد.

بی بی سی: ۱۳۷۱/۷/۲۱

تا چند هفته دیگر دوران ریاست جمهوری آقای برهان الدین ربانی پایان می پذیرد قرار است شورائی بنام حل و عقد دائر شود تا درباره حکومت و رئیس جمهوری آینده افغانستان تصمیم گیری کند، در حالیکه بیشتر رهبران مجاهدین در مورد اصل تشکیل این شوری



اتفاق رای دارند، در مورد شکل شوری و تعداد نمایندگان که درین شوری شرکت خواهند داشت عقیده های مختلفی ابراز شده.

حکومت افغانستان و کمسیون که از سوی حکومت مسئول تشکیل شوری حل و عقد است بر این عقیده اند که باید بر اساس جمعیت هر منطقه نمایندگان برای شرکت در شوری تعیین شود. بعضی هاهم اعتقاد دارند که باید تعداد نمایندگان بر اساس تقسیمات کشوری تعیین شود و نواحی مختلف دارای تعداد مساوی نماینده در شوری باشد، آمنه شهیر از آقای محدودی رهبر جبهه نجات ملی که قبل از آقای ربانی زمام امور افغانستان را در دست داشت پرسید که بعنوان یکی از اعضای شوری رهبری افغانستان چه نظری در مورد این شوری دارد.

جواب: راجع به همین شوری حل و عقد یا لویه جرگه افغانستان ما بسیار سابق به این عقیده بودم که باید در همینطور یک محلیسی تشکیل شود بهر نامی که باشد مقصد این است که اعضای که آنها یک اعتبار و رسوخ ملی دارند و مردم سخنان آنها را میشنوند و از سخنان آنها پیروی نکنند و اشخاص در همچو جرگه ها بایدا شترک کنند و از تمام ولایات و ولسوالی ها و از همه مناطق باشند که اینطور گفته نشود که بعضی ها شرکت کردند و بعضی ها شرکت نکردند، بنظر ما تعدادشان باید یکنیم الی دو هزار کم نباشند لیکن برای همه طبقات و اقشار افغانستان موقع داده شود بفرما اگر به ولسوالی ها تقسیم شود آنها نمایندگان خود را اعزام کنند مفید خواهد بود و شکایت رفع خواهد شد.

سؤال خبرنگار: من به این عقیده هستم که ولسوالی های شهرستانها اصلا در شمال و غرب افغانستان به تناسب نفوذ از او منطقه کمتر است اگر نمایندگان بر اساس ولسوالی ها بیایند این بر ضرر بعضی مناطق و به نفع بعضی

مناطق دیگر تمام میشود و این عادلانه نیست ج: اورا میتوانند به این رقم حل کنند که ولسوالی های که زیاده نفوس دارند و ولسوالی های که نفوس کم دارند میتوانند به ولسوالی های که نفوس کم دارند، کمتر نمایند بدهند و به ولسوالی های که نفوس زیاد دارند نمایند گانس هم بیشتر باشد. بی بی سی چهارشنبه ۲۲ ژوئن ۱۳۷۱ در کابل تبادل صد هاتن زندانی بین حزب وحدت و اتحاد اسلامی جریان دارد.

دولت افغانستان دو نفر از اعضا حزب اسلامی از جمله مهاجرزاده که از اعضای برجسته حزب اسلامی است آزاد کردند. امنیت بعضی مناطق کابل بوضوح بهبود یافته و پوسته های بازرسی به فواصل منظم قرار دارد و در چهار راههای اصلی سنگرهای از کیسه های شین برپا شده.

از راننده که یک ترانسفار مر را به مرکز بی بی سی در کابل نقل میداد چهار جاده بازرسی کردند و رسید انرا خواستند تا ما موران مطمئن شوند که آنها را نه دیده اند.

بقرار اطلاع نیروهای دولتی افغانستان تحت فرماندهی اسماعیل خان موفق شده اند یک پایگاه هوایی نظامی را از ملیشهای کمونست سابق در هرات باز پس بگیرد، اسماعیل خان رئیس شورا جهادی در هرات گفت: که شین دند که در فاصله ۲۰ کیلومتری جنوب شهر هرات قرار دارد در اوایل روز دوشنبه و بدنبال یک حمله سریع شبانه به تصرف نیروهای دولتی درآمد.

وضع در هرات کاملا "نورمال است، پیلوتها و انجنیران روی هواپیماها کاملا کار میکنند خبرنگاری بی بی سی از هرات و شین دند دیدن نمود میگوید در هرات امنیت کامل وجود دارد ملیشه ها انبارهای غله فراوان بر جا گذاشته همه متواری گردیده.

مطابق به گزارش رسیده تیم فتنال حزب وحدت اسلامی افغانستان در کویت به بلوچستان با شرکت در تور نامنت که باتیم آل کویت، شهید ماتلو برگزار شده است، تا هنوز دوبار برنده شده و به سیمی فاینل رسیده است، ک بازی در زمین یازدان خان اسکول ادامه دارد.

بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴



طلوع وحدت

جریده: سیاسی، فرهنگی، عقیدتی، خبری
صاحب امتیاز: حزب وحدت اسلامی ۰۰۰
زیر نظر: کمسیون فرهنگی
مرکز پخش: دفاتر نمایندگان کیهای حزب
وحدت اسلامی در پاکستان و ایران.
آدرس پستی: پاکستان کویت پست باکس
نمبر (۱۲۲).